

سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت و مالیات‌ها و

توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه

کیانگ چو، حمید داوودی و سانجیو گوپتا

ترجمه محسن کلاتری*

این مطلب به بررسی وضعیت توزیع درآمد کشورهای در حال توسعه (و در حال گذار)، طی دهه‌های اخیر می‌پردازد. به‌طور متوسط، توزیع درآمد قبل از مالیات در کشورهای در حال توسعه نابرابری کمتری از کشورهای صنعتی دارد. به هر حال، برخلاف کشورهای صنعتی، کشورهای در حال توسعه معمولاً توانایی به‌کارگیری سیاست‌های انتقالی مؤثر برای کاهش نابرابری را ندارند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه افزایش در نابرابری درآمد را تجربه کردند. برنامه‌های مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی ابتدایی و متوسطه دولت در کشورهای در حال توسعه خوب هدف‌گذاری نشده‌اند، اما آثار آن‌ها فزاینده است.

۱. مقدمه

برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فقر گسترده و پایین بودن سهم درآمد فقرا مورد توجه خاصی قرار گرفته است. با افزایش بین‌المللی مناسبات اقتصادی، نااطمینانی‌های ناشی از این مناسبات افزایش یافته است و برخی شواهد نشان‌دهندهٔ اختلافات درآمدی در دهه‌های اخیر، علاقه اقتصاددانان را به موضوع توزیع درآمد، تغییرات آن و عوامل مؤثر بر آن، تشدید کرده است.

* کارشناس ارشد اقتصاد معاونت امور اقتصادی

همچنین شواهد نشان‌دهندهٔ اختلافات درآمدی، علاقهٔ اقتصاددانان را به بررسی سیاست‌های مالی، سیاست‌های مالیاتی تصاعدی (یا فقدان) و سیاست‌های انتقالی را به‌عنوان ابزار توزیع مجدد در کوتاه‌مدت و بلندمدت تشدید کرده است. در عین حال، این سؤال مطرح است که آیا سیاست‌های مالیاتی و انتقالی به‌عنوان ابزار توزیع مؤثرند.

در نظر گرفتن نقش بیشتر برای سیاست‌های مالیاتی و انتقالی در کشورهای در حال توسعه (و در حال‌گذار)، اغلب مورد مجادله است. تقابل بین مالیات‌های تصاعدی، سیاست‌های انتقالی و توزیع درآمد، به دلیل وجود یک رشته عوامل که منحصر به کشورهای در حال توسعه (در حال‌گذار) است، پیچیده شده‌اند که به‌طور معمول به علت ضعیف بودن شاخص‌های مالی در این کشورها است، این شاخص‌ها عبارت‌اند از پایین بودن نسبت $\frac{T}{GDP}$ حاکمیت ضعیف دولت، گسترده بودن فرار مالیاتی، رجحان مالیات‌های غیرمستقیم و محدود بودن ارقام مالیات بر سرمایه و مالیات بر ثروت، نقش محدود پرداخت‌های انتقالی و سیاست‌های حمایت اجتماعی.^۱ وجود این شاخص‌ها، توانایی سیاست‌های مالیاتی در توزیع مجدد درآمد را دچار ابهام می‌کند.^۲

توجه داشته باشید که در کشورهای در حال توسعه، فقر بندرت مالیات بر درآمد می‌پردازند و مخارج آموزشی و بهداشتی و دیگر حساب‌های پرداختی انتقالی، سهم بزرگی از بودجه را شامل می‌شود. عده‌ای معتقدند که طرف مخارج بودجه باید به‌عنوان ابزار مقدماتی توزیع درآمد در نظر گرفته شود. (تانزی، ۱۹۷۴ و ۱۹۹۸؛ هاربرگر، ۱۹۹۸). مهم‌ترین نقش سیاست مالیاتی به‌عنوان ابزار توزیع مجدد، باید تأمین درآمد به‌منظور تأمین مالی موثر مخارج خاص فقرا و دیگر مخارج اساسی دولت و اجتناب از ایجاد عدالت افقی باشد. سیستم مالیاتی باید دارای پایه گسترده، معافیت‌های محدود و نرخ‌های پایین باشد. این نظری اساسی میان بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران دربارهٔ نقش نسبی مالیات‌ها و سیاست‌های مربوط به مخارج در توزیع مجدد درآمد در کشورهای در حال توسعه (در حال‌گذار) است.

با توجه به نحوهٔ توزیع درآمد و نقش سیاست‌های مالی و سایر سیاست‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه (و در حال‌گذار)، یک سلسله سؤالات پیش می‌آید: نحوه توزیع درآمد این کشورها هم در میان خودشان و هم با کشورهای صنعتی چه تفاوتی می‌کند؟ آیا توزیع مجدد درآمدها در این کشورها نابرابرتر می‌شود؟ نقش مالیات، پرداخت‌های انتقالی و سایر سیاست‌های مخارج در توزیع مجدد چیست؟

متأسفانه، محدودیت در دسترسی به داده‌های با کیفیت بالا در کشورهای در حال توسعه، مانع از ارائه تحلیلی محکم برای پاسخ به این سؤالات است. در حالی که مطالعات کمی دربارهٔ توزیع درآمد در کشورهای خاص و تا حدی مقایسه‌های بین‌المللی توزیع درآمد متمرکز شده‌اند. فقدان داده‌های با کیفیت بالا، مطالعات در زمینهٔ تغییرات بلندمدت و مقایسه‌های بین‌المللی توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه را محدود کرده‌اند.

این مطلب به مرور تغییرات توزیع مجدد درآمد در کشورهای در حال توسعه (و در حال گذار) و بررسی اثر مالیات‌ها و مخارج دولت در این کشورها طی دهه‌های اخیر می‌پردازد. به‌منظور بررسی توزیع درآمد، این تحقق بر یک رشته داده‌های جدید "باکیفیت بالا" در زمینه توزیع درآمد تکیه می‌کند.^۳ برای ارزیابی اثر مالیات‌ها و مخارج دولت، این مطلب به مطالعات موجود در کشورهای خاص تکیه می‌کند.

ترکیب این تحقیق به این صورت است: بخش ۲ به مرور تغییرات توزیع مجدد درآمد کشورهای در حال توسعه، در دهه‌های اخیر می‌پردازد. کشورهای نمونه شامل تعدادی از کشورهای در حال گذار هم می‌شوند. بخش ۳ به بررسی مطالعات انجام شده در زمینه آثار مالیات‌ها و مخارج، با توجه خاص به اثر مخارج دولت در بخش آموزش و بهداشت، می‌پردازد. بخش ۳ نیز به ارائه تحلیل تغییرات توزیع مجدد درآمد کشورهای در حال توسعه در دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰، بحث در خصوص عوامل احتمالی مؤثر بر آن، شامل نقش سیاست مالیاتی، می‌پردازد. بخش ۴ به نتیجه‌گیری از مقاله می‌پردازد.

۲. تغییرات توزیع درآمد

الف) توزیع درآمد در دهه ۱۹۹۰

همان‌طور که در این مقاله نشان خواهیم داد، تحلیل توزیع درآمد و آثار توزیعی مالیات و مخارج دولت موضوع بسیاری از بررسی‌های مفهومی و عملی است. آیا درآمد به کارگرفته شود و یا مصرف؟ منافع مخارج دولت چقدر باید ارزش‌گذاری شود. مشکلات به خصوص برای کشورهای در حال توسعه (و در حال گذار) شدید هستند. توزیع درآمد برای این کشورها وسیع است اما هنوز به اندازه کافی نیست. داده‌های قابل مقایسه بین‌المللی درآمد خانوارها قبل از مالیات و بعد از مالیات برای این کشورها وجود ندارد. اطلاعات قابل دسترس امکان ارزیابی بلندمدت تغییرات در توزیع درآمد را برای تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه فراهم نمی‌آورد.

جدول ۱ اطلاعات باکیفیتی را که به‌وسیله دینینگر و اسکوایر (۱۹۹۶) تهیه شده است نشان می‌دهد. برآورد ضریب جینی قبل و بعد از مالیات و سهم دهک‌های درآمدی در دهه ۱۹۹۰ فقط برای ۲۰ کشور در حال توسعه (و در حال گذار) در دسترس‌اند. به‌طور کلی این برآوردها براساس درآمد خانوارها و شامل پرداخت‌های انتقالی دولت است. هر چند برای تعدادی از کشورهای مورد بررسی، برآوردها بر پایه اطلاعات به‌دست آمده براساس میزان مصرف‌اند. برخلاف داده‌های درآمد که برای بررسی تأثیر مالیات یا مخارج در کشوری خاص استفاده می‌شود، داده‌های دینینگر و اسکوایر براساس یک روش عمومی گردآوری شده‌اند که امکان مقایسه بین بخش و بین‌المللی را به‌دست می‌دهند. برای ۹ کشور «b»، برآوردها براساس درآمد قبل از مالیات (اما بعد از انتقال) است، برای ۱۳ کشور «a»، اساس برآورد درآمد (یا مصرف) بعد از مالیات (و بعد از پرداخت‌های انتقالی) است. به هر حال، اگرچه این داده‌ها شامل درآمد

جدول ۱: توزیع درآمد: ۲۰ کشور در حال توسعه (و در حال گذار)، دهه ۱۹۹۰

| سطح درآمد | GNP سرانه به قیمت ثابت ۱۹۹۲ (به دلار) | نسبت Q5/Q1 | سهم Q5 | سهم Q1 | ضریب جینی تعدیل شده | ضریب جینی | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|------------|--------|--------|---------------------|-----------|---------------|
| | | | | | | درصد | |
| کشورهای "b" قبل از مالیات | | | | | | | |
| | ۱۵۸۵ | ۶ | ۴۲ | ۶ | ۳۰ | ۳۴ | میانگین |
| | ۳۲۲۸ | ۸ | ۴۴ | ۷ | ۳۴ | ۳۸ | میان |
| | ۲۴۵۰ | ۳ | ۳۶ | ۱۱ | ۲۱ | ۲۵ | چکسلواکی* |
| | ۱۱۳۰ | ۴ | ۳۷ | ۹ | ۲۵ | ۲۹ | رومانی* |
| | | ۵ | ۳۹ | ۷ | ۲۸ | ۳۲ | یوگسلاوی* |
| | ۱۹۱۰ | ۶ | ۳۹ | ۶ | ۲۹ | ۳۳ | لهستان* |
| | ۱۳۳۰ | ۶ | ۴۲ | ۷ | ۳۰ | ۳۴ | بلغارستان* |
| Li | ۴۷۰ | ۷ | ۴۲ | ۶ | ۳۴ | ۳۸ | چین* |
| hi | ۱۵۳۶۰ | ۱۰ | ۴۹ | ۵ | ۴۱ | ۴۵ | هنگ کنگ (چین) |
| | ۱۳۳۰ | ۱۵ | ۵۴ | ۴ | ۴۷ | ۵۱ | کلمبیا |
| | ۱۸۴۰ | ۱۶ | ۵۹ | ۴ | ۴۸ | ۵۲ | تایلند |
| کشورهای گروه "a" بعد از مالیات | | | | | | | |
| | ۱۰۳۵ | ۵ | ۴۱ | ۷ | | ۳۲ | میانگین |
| | ۱۱۹۸ | ۶ | ۴۲ | ۸ | | ۳۴ | میان |
| | ۱۱۳۰ | ۴ | ۳۵ | ۹ | | ۲۵ | رومانی* |
| | ۱۹۱۰ | ۴ | ۳۸ | ۸ | | ۲۹ | لهستان* |
| Li | ۵۴۰ | ۴ | ۳۹ | ۹ | | ۳۰ | سری لانکا |
| hi | | ۵ | ۳۹ | ۷ | | ۳۱ | تایوان |
| Li | ۴۲۰ | ۵ | ۴۰ | ۸ | | ۳۱ | پاکستان |
| Li | ۳۱۰ | ۵ | ۴۱ | ۹ | | ۳۲ | هند |
| | ۲۹۷۰ | ۶ | ۳۹ | ۷ | | ۳۲ | مجارستان* |
| Li | ۶۷۰ | ۵ | ۴۲ | ۹ | | ۳۳ | اندونزی |
| | ۲۷۰۰ | ۶ | ۴۳ | ۷ | | ۳۷ | موریس |
| | ۱۳۴۰ | ۷ | ۴۵ | ۷ | | ۳۸ | جامائیکا |
| | ۱۱۲۰ | ۷ | ۴۸ | ۶ | | ۴۱ | اردن |
| Li | ۳۲۰ | ۷ | ۴۸ | ۷ | | ۴۱ | لیبری |
| | ۹۵۰ | ۱۰ | ۵۰ | ۵ | | ۴۵ | پرو |

Sources: Deininger and Squire (1996), International Monetary Fund, International Financial Statistics Government, Financial Statistics, and World Banks Development Report, 1994.

* نشان دهنده کشورهای در حال گذار است. eq = توزیع درآمد نسبتاً متعادل (ضریب جینی بعد از مالیات کوچکتر از ۳۰)؛ ضریب جینی تعدیل شده = ۴ - ضریب جینی "b".

ueq = توزیع درآمد نسبتاً نامتعادل (ضریب جینی بعد از مالیات بزرگتر از ۴۰). Li = کشورهای با درآمد پایین (GNP کمتر از ۶۷۰ دلار). hi = کشورهای با درآمد بالا. Q1 = فقیرترین دهک؛ Q5 = ثروتمندترین دهک.

۱. هر مشاهده‌ای در جدول منظر با آخرین مشاهده‌ای در دسترس در دهه ۱۹۹۰ برای هر کشور می‌باشد. اختلافات مربوط به گرد کردن خطاها است.

جدول ۲: توزیع درآمد در کشورهای صنعتی، طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰-۹۰ (درصد)

| کشورها | دوره | ضریب جینی | | دوره | درصد تغییرات در ضریب جینی |
|---|---------|-------------|------------------------------|---------|---------------------------|
| | | درآمد بازار | درآمد قابل تصرف ^۱ | | |
| میانگین ضریب جینی (دهه ۱۹۹۰) | | ۴۴/۳ | ۲۷/۷ | | ۵/۰ |
| میانگین ضریب جینی (دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰) | | ۴۰/۴ | ۲۶/۴ | | ۱۵/۷ |
| درصد تغییرات ضریب جینی دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰-۱۹۸۰ | | | | | ۳/۹ |
| استرالیا | ۱۹۹۳/۹۴ | ۴۶/۳ | ۳۰/۶ | ۱۹۷۵-۹۴ | ۵/۲ |
| بلغارستان | ۱۹۹۵ | ۵۴/۴ | ۲۹/۶ | ۱۹۸۳-۹۵ | -- |
| کانادا | ۱۹۹۴ | -- | ۲۸/۴ | ۱۹۷۵-۹۴ | -- |
| دانمارک | ۱۹۹۴ | ۴۲ | ۲۱/۷ | ۱۹۸۳-۹۴ | ۱۱/۲ |
| فنلاند | ۱۹۹۵ | ۳۹/۲ | ۲۳/۱ | ۱۹۸۶-۹۵ | ۱۱/۴ |
| فرانسه | ۱۹۹۰ | -- | ۲۹/۱ | ۱۹۷۹-۹۰ | -- |
| آلمان | ۱۹۹۴ | ۲۳/۶ | ۲۸/۲ | ۱۹۸۴-۹۴ | ۱/۲ |
| ایتالیا | ۱۹۹۳ | ۵۱ | ۳۴/۵ | ۱۹۸۴-۹۳ | ۳۰/۸ |
| ژاپن | ۱۹۹۴ | ۳۴ | ۲۶/۵ | ۱۹۸۴-۹۴ | -- |
| هلند | ۱۹۹۴ | ۴۲/۱ | ۲۵/۳ | ۱۹۷۷-۹۴ | ۱۴/۲ |
| نروژ | ۱۹۹۵ | ۳۹/۹ | ۲۵/۶ | ۱۹۸۶-۹۵ | -- |
| سوئد | ۱۹۹۵ | ۴۸/۷ | ۲۳ | ۱۹۷۵-۹۵ | ۱۷/۳ |
| امریکا | ۱۹۹۵ | ۴۵/۵ | ۳۴/۴ | ۱۹۷۴-۹۵ | ۱۳/۱ |

Sources: OECD, 1997, OECD Economic Outlook, No. 62 (December): 49-59; Oxley,

Burniaux, Dang and d Ecole (1999, Tables 1, and A1).

۱. درآمد قابل تصرف به صورت مجموع (۱) عواید، (۲) خود اشتغالی و درآمد سرمایه، (۳) پرداخت‌های انتقالی دولت، (۴) مالیات‌های مستقیم و مشارکت افراد در تأمین اجتماعی تعریف می‌شود.

خانوارها، هم قبل از مالیات و هم بعد از مالیات نیست، با وجود این، منطق این کار امکان استفاده از اطلاعات مذکور برای ارزیابی صریح نقش مالیات و سیاست پرداخت‌های انتقالی در ایجاد تغییرات در توزیع درآمد، است. فقط برای دو کشور (لهستان و رومانی) برآوردهای موجود براساس داده‌های درآمد هم قبل از مالیات و هم بعد از مالیات، اما برای سال‌های مختلف، وجود دارد.

پیرو این مقدمات، ضریب جینی بعد از مالیات، به‌طور متوسط از ضریب جینی قبل از مالیات کمتر است و نیز دارای دامنه تغییرات کمتری است. برای ۹ کشور گروه «b» که برآورد درآمد قبل از مالیات ملاک عمل قرار گرفته است، دامنه تغییرات ضریب جینی وسیع و بین ۲۵ تا ۴۵ درصد، به‌طور متوسط ۳۸ درصد، است و برخلاف آن برای ۱۳ کشور گروه «a» که در برآوردهای آن‌ها درآمد بعد از مالیات ملاک عمل بوده است، ضریب جینی بین ۲۵ درصد تا ۴۵ درصد، به‌طور متوسط ۳۴ درصد، است. تفاوت ۴ درصدی میان دو میانگین لزوماً به معنی تأثیر توزیعی مالیات نیست. اول از همه این‌که، این دو نمونه شامل دو گروه از کشورهای متفاوت‌اند. علاوه بر این، درآمد قبل از مالیات ناشی از تأثیر سیاست مالیاتی است، به هر صورت این نکته جالب توجه است که تفاوت کوچک بین میانگین‌ها شبیه تفاوت ۳ و ۴ درصدی بین ضرایب جینی قبل از مالیات و بعد از مالیات برای لهستان و رومانی است - فقط تنها دو کشوری که داده‌های درآمد هم قبل از مالیات و هم بعد از مالیات برای آن‌ها وجود دارد.^۴

در مقایسه با کشورهای صنعتی ضریب جینی قبل از مالیات (بعد از پرداخت‌های انتقالی)، به‌طور متوسط در کشورهای در حال توسعه کمتر اما در محدوده وسیع‌تری است. میانگین ضریب جینی قبل از مالیات برای ۹ کشور در حال توسعه جدول ۱ حدود ۳۸ درصد است که با میانگین ۴۴ درصدی ضریب جینی قبل از مالیات و قبل از پرداخت‌های انتقالی «درآمد بازار»، ۱۱ کشور صنعتی جدول ۲، قابل مقایسه است.^۵ دامنه ضریب جینی قبل از مالیات برای کشورهای در حال توسعه بین ۲۵ تا ۵۲ درصد است، در حالی که دامنه ضریب جینی درآمد - بازار برای کشورهای صنعتی بین ۳۴ تا ۵۴ درصد قرار دارد. به هر حال، سیاست‌های مالیاتی (و پرداخت‌های انتقالی) در کشورهای صنعتی، ضریب جینی آن‌ها را بیشتر از کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد. برای ۱۱ کشور صنعتی، میانگین ضریب جینی درآمد قابل تصرف از ضریب جینی درآمد - بازار ۱۶ درصد کمتر و از ضریب جینی بعد از مالیات برای کشورهای در حال توسعه ۶ درصد پایین‌تر است.

ب) تغییرات در توزیع درآمد در دهه‌های ۹۰-۱۹۷۰

جدول ۳ نگاهی کلی به تغییرات توزیع درآمد (مصرف) در گروه کشورهایی دارد که اطلاعات آن‌ها (۱) شامل ضریب جینی برای قبل یا بعد از مالیات بوده و ساختار مالیات‌های آن‌ها در دهه‌های اخیر، (۹۰-۱۹۷۰) در دسترس است. برای تغییرات در ضریب جینی از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۸۰ اطلاعات مربوط

به ۱۹ کشور در دسترس است. برای تغییرات در دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ اطلاعات برای ۱۰ کشور موجود است. میانگین ضریب جینی در کشورهای نمونه در دوره ۸۰-۱۹۷۰ پایدار بوده است. میانگین برای ۱۹ کشور در حد ۴۴ درصد ثابت مانده است. میانگین ضریب جینی برای ۱۰ کشور نمونه اندکی افزایش یافت، به طوری که از ۳۲ درصد در دهه ۱۹۸۰ به ۳۴ درصد در دهه ۱۹۹۰ رسید.

به هر حال، ثبات در میانگین ضریب جینی در دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰، تغییرات قابل ملاحظه در ضریب جینی برخی کشورها را می‌پوشاند. برای مثال، در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ ضریب جینی در تایلند حدود ۴ درصد افزایش یافت، در صورتی که ضریب جینی برای ترکیه حدود ۷ درصد کاهش یافته است. در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ تایلند و دو کشور در حال‌گذار (بلغارستان و مجارستان) افزایش بسیار زیادی در ضریب جینی را تجربه کرده‌اند (نگاه کنید به بخش ۳ از بحث آتی).

به خوبی قابل تشخیص است که کشورهای در حال‌گذار افزایشی در اندازه نابرابری درآمد را تجربه کرده‌اند. به هر حال، این امر ناگهانی مشاهده نشده است، چراکه ضریب جینی در تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه افزایش شتابانی را در دهه‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰ داشته است.

براساس میانگین‌ها، داده‌های روشنی درباره نقش توزیعی مالیات‌ها وجود ندارد. از دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ بار مالیاتی بدون هیچ تغییر قابل ملاحظه‌ای در ترکیب مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم به آرامی افزایش یافته است. از دهه‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰ نه میانگین بار مالیاتی و نه ترکیب آن تغییر معناداری نداشته‌اند.

۳. نقش مالیات‌ها و مخارج اجتماعی

توزیع درآمد حالت‌های متعددی دارد. توزیع درآمدهای بازار یکی از مهم‌ترین نوع از توزیع درآمد است. توزیع درآمد قابل تصرف نوع دیگر آن است. شخص می‌تواند توزیع درآمد قابل تصرف را به همراه پرداخت‌های انتقالی خاص دولت مانند آموزش، خدمات بهداشتی، در نظر بگیرد. وسیع‌تر از آن شخص می‌تواند تحلیل توزیع درآمد قابل تصرف را به همراه همه خدمات دولتی شامل دفاع، قضاوت و خدمات زیربنایی در نظر بگیرد. در یک کشور که مقیاس بزرگی از آموزش عمومی و مراقبت‌های بهداشتی رایگان ارائه می‌شود، این معیار آخر از توزیع درآمد می‌تواند به‌طور اساسی با درآمد قابل تصرف تفاوت داشته باشد. حتی در یک کشور که نقش بازار نقشی غالب است، توزیع درآمد براساس معیارهای اول و آخر می‌تواند به‌طور اساسی تفاوت داشته باشد.

عوامل بسیاری بر توزیع درآمد بازار و درآمد قابل تصرف تأثیر می‌گذارند. این عوامل شامل توزیع فیزیکی، مالی و سرمایه انسانی، میزان بازگشت این سرمایه‌ها و بنگاه‌های رسمی و غیررسمی است. اثر

مالیات‌ها و انتقالات در کوتاه‌مدت بین درآمد بازار و درآمد قابل تصرف متفاوت است، اما آن‌ها می‌توانند در طول زمان نیز بر توزیع درآمد بازار اثر بگذارند. برخی از مالیات‌ها می‌توانند بر تلاش کاری افراد مؤثر باشند. نرخ مالیاتی خیلی بالا می‌تواند موجب خارج شدن فعالیت‌های اقتصادی از بخش رسمی یا حتی از کشور شود. سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت بر توزیع درآمد مؤثر است، نه تنها به خاطر این‌که مخارج اجتماعی می‌تواند بلافاصله بر منافع تأثیر بگذارد (به‌طور مثال، بهداشت و خدمات آموزشی)، بلکه به خاطر این‌که آن‌ها همچنین می‌توانند بر توزیع ظرفیت کسب درآمد افراد و خانواده نیز تأثیر بگذارند. بنابراین، به شکل‌گیری توزیع درآمد بازار طی زمان کمک می‌کنند. برخی از مخارج اجتماعی (به‌طور مثال، مخارج در زمینه تحصیلات ابتدایی) با یک وقفه بلندمدت بر توزیع درآمد مؤثرند.

این بخش نحوه اثرگذاری سیاست‌های مخارج اجتماعی و مالیات بر توزیع درآمد را از روش‌های گوناگون نشان می‌دهد. بخش الف نگاهی دارد بر نوشتارهای موضوع و این‌که چگونه مالیات‌ها و مخارج اجتماعی بین گروه‌های با درآمد متفاوت تقسیم می‌شوند. در بخش ب چگونگی درباره توزیع درآمد و اندازه‌گیری مبنای درآمدها قبل و بعد از مالیات که در دهه‌های اخیر تغییر کرده بحث می‌شود. در بخش ج با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی رابطه بلندمدت بین توزیع درآمدها هم قبل از مالیات و هم بعد از مالیات و جنبه‌های قطعی مالیات و سیاست‌های مخارج اجتماعی (برای مثال، ساختار مالیات و میزان نام‌نویسی در مقطع متوسطه) را پیدا می‌کنیم. در بخش د ارتباط بین توزیع درآمد و مالیات‌ها و سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت در چند کشور منتخب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) نوشتارهای انتخابی گردآوری شده

بررسی مطالعات موجود آثار مالیاتی

این بخش به بررسی پنج مطالعه آثار مالیات در کشورهای در حال توسعه برد و د ولف (۱۹۷۳)، د ولف (۱۹۷۵)، و بررسی‌های بعدی توسط مک لور (۱۹۷۷) و شاه و والی (۱۹۹۰ و ۱۹۹۱)، می‌پردازد. ۶ برد و د ولف (۱۹۷۳) ۲۹ تحقیق برای ۱۷ کشور آمریکای لاتین انجام داده‌اند، و نتیجه گرفتند که سیستم‌های مالیاتی در این کشورها اغلب ابزارهای ناموفق برای توزیع درآمد بودند. برد و د ولف به‌طور کلی تنها در چهار مورد از ۱۹ مطالعه اظهار کردند که سیستم مالیاتی تا حدودی موجب تعدیل توزیع مجدد درآمد شده است. در حالی که در باقی مطالعات پیشنهاد می‌کنند که «سیستم مالیاتی شدیداً تناسبی است یا حتی در اغلب طبقات درآمدی بالا نزولی می‌شود» (برد و د ولف ۱۹۷۳، ص ۶۷۱). ۷ اگرچه د ولف در مطالعه بعدی (۱۹۷۵) برگرفته از ۶۶ مطالعه سربض به ۲۳ کشور، نتیجه گرفت که سیستم مالیاتی در کشورهای در حال توسعه گرایش به تصاعدی شدن دارد (و درجه تصاعد از مقدار زیاد تا سطح متعادل تفاوت دارد). اما او

جدول ۳: مروری بر توزیع درآمد و بار مالیاتی ساختار بار مالیاتی، در کشورهای در حال توسعه ۱۹۶۰-۱۹۹۰

(به صورت درصد مگر جاهایی که نشان داده شده است)

| دهه ۱۹۹۰ | | دهه ۱۹۸۰ | | دهه ۱۹۷۰ | | |
|-----------------------|-------------------|-----------------------|-------------------|----------------------|-------------------|----------------------------------|
| ضریب جینی نسبت Q5/Q1 | | ضریب جینی نسبت Q5/Q1 | | ضریب جینی نسبت Q5/Q1 | | |
| (درصد) | | (درصد) | | (درصد) | | |
| توزیع درآمد | | | | | | |
| دهه ۱۹۷۰-۸۰ | | | | | | |
| ۱۱ | ۴۴ | ۱۲ | ۴۴ | ۴۴ | ۴۴ | همه کشورها |
| ۱۲ | ۴۶ | ۱۳ | ۴۶ | ۴۶ | ۴۶ | کشور "b" |
| ۷ | ۳۶ | ۷ | ۳۶ | ۳۶ | ۳۶ | کشور "a" |
| مالیات‌های غیر مستقیم | مالیات‌های مستقیم | مالیات‌های غیر مستقیم | مالیات‌های مستقیم | مالیات‌های مستقیم | مالیات‌های مستقیم | ساختار بار مالیاتی (درصد GDP) |
| دهه‌های ۱۹۷۰-۸۰ | | | | | | |
| ۸ | ۷ | ۱۶ | ۷ | ۶ | ۱۴ | همه کشورها |
| ۸ | ۷ | ۱۶ | ۷ | ۶ | ۱۵ | کشور "b" |
| ۹ | ۶ | ۱۶ | ۸ | ۵ | ۱۴ | کشور "a" |
| توزیع درآمد | | | | | | |
| دهه ۱۹۸۰-۹۰ | | | | | | |
| ۸ | ۳۴ | ۷ | ۳۴ | ۲۲ | ۲۲ | همه کشورها |
| ۹ | ۳۳ | ۸ | ۳۳ | ۳۱ | ۳۱ | کشور "b" |
| ۷ | ۳۷ | ۶ | ۳۷ | ۳۵ | ۳۵ | کشور "a" |
| مالیات‌های غیر مستقیم | مالیات‌های مستقیم | مالیات‌های غیر مستقیم | مالیات‌های مستقیم | مالیات‌های مستقیم | مالیات‌های مستقیم | ساختار بار مالیاتی (به درصد GDP) |
| دهه‌های ۱۹۸۰-۹۰ | | | | | | |
| ۱۱ | ۵ | ۲۱ | ۱۲ | ۵ | ۲۲ | همه کشورها |
| ۱۱ | ۶ | ۲۱ | ۱۱ | ۷ | ۲۴ | کشور "b" |
| ۱۲ | ۴ | ۲۰ | ۱۳ | ۴ | ۲۰ | کشور "a" |

Sources: Tables 6 , 7 , 9 , 10 , and International Monetary Fund, International Financial Statistics and Government Finance Statistics data base.

b = ضریب جینی، Q1 , Q2 برآوردهای قبل از مالیات‌اند.

a = ضریب جینی، Q1 , Q2 برآوردهای بعد از مالیات‌اند.

در مطالعه بعدی نظر خودش را به این‌که «مشکل است قبول نکنیم که سیستم مالیاتی در کشورهای امریکای لاتین نزولی است»، تغییر داد. (دولف ۱۹۸۱ ص ۲۰). مهم‌ترین دلیل او این بود که مالیات‌های مصرفی در این کشورها که اهمیت زیادی هم دارند نزولی‌اند.

مک لو (۱۹۷۷) در یک بررسی حاصل از هفت مطالعه در خصوص بار مالیاتی که به وسیله فقیران شهری در کشورهای در حال توسعه تحمل می‌شود، دریافت که نرخ‌های مالیاتی برای خانوارهای شهری تصاعدی‌اند اما نه به آرامی. برای مثال، اگرچه نرخ‌های مؤثر مالیات برای ثروتمندان شهری (۲ تا ۵ درصد خانوارهای شهری که بیشترین درآمد را دارند) حداقل دو برابر فقیران شهری است (۴۰ درصد خانوارهای شهری که حداقل درآمد را دارند)، چهارمین دهک شهری و خانوارهای فقیر شهری به نرخ‌های مؤثر مالیاتی به‌طور مشابه روبه‌رو هستند. او نتیجه می‌گیرد از آن‌جا که تصمیم‌های سیاستی به‌صورت مرزی اتخاذ می‌شوند، اگر در تحلیل تأثیر مالیات‌ها به‌جای این‌که بر تأثیرات سیستم موجود متمرکز شویم بر نتایج باز توزیعی تغییرات در سیستم مالیاتی توجه شود، این امر می‌تواند برای سیاست‌گذاران بیشتر مفید باشد.

شاه و والی (۱۹۹۰ و ۱۹۹۱) در یک ارزیابی اجمالی از هفت مقاله اثر مالیاتی نتیجه گرفتند که صرف نظر از برخی استثنائات، همه سیستم‌های مالیاتی به‌طور گسترده تصاعدی هستند. با ملاحظه مالیات‌ها شخصی، آن‌ها دریافتند مالیات‌های غیرمستقیم، مالیات بر درآمد اشخاص و مالیات بر دارایی افراد شهری تصاعدی هستند، مالیات بر فروش و واردات نزولی‌اند، مالیات شرکت‌ها متغیر است و بستگی به فرض استفاده شده دارد، مالیات‌های غیرمستقیم معمول، دارای آثار مالیاتی U شکل‌اند.^۸

مطالعات آثار مالیاتی در سال‌های اخیر

بعضی از روش‌ها در اندازه‌گیری تأثیر مالیات‌ها بعد از مطالعات انجام شده به‌وسیله برد و دولف (۱۹۷۳) و دولف (۱۹۷۵) بهبود یافتند. مدل‌های تعادل عمومی به‌طور کامل مشخص و قابل تخمین، تدریجاً جایگزین فرض‌های انتقالی منحنی‌ها (انتقال به جلو یا عقب) در بسیاری از مطالعات برد و دولف (۱۹۷۳) و شاه و والی (۱۹۹۰ و ۱۹۹۱) شدند. اگرچه در برخی حالات نتایج داوری مطالعات نزدیک به شبیه‌سازی‌های تعادل عمومی است (دواراجان، فولرتون و ماسگریو (۱۹۸۰).

به‌نظر می‌رسد در تحلیل تعادل عمومی جنبه‌های جالب توجه که در مطالعات تعادل جزئی وجود نداشته، اضافه شده است. برای مثال، مالیات‌های اشخاص و شرکت در کنیا، براساس تحلیل‌های تعادل عمومی تصاعدی هستند (اموگا، ۱۹۸۶)، اما براساس تحلیل تعادل جزئی نزولی‌اند (وست لیک، ۱۹۷۳). همچنین، مالیات‌های غیرمستقیم در فیلیپین تا حدود زیادی خنثی هستند، اما بعد از محاسبه تعادل عمومی

آن‌ها (دواراجان و حسین، ۱۹۹۸).

به‌ر حال، اغلب مطالعات راجع به تأثیر مالیات هنوز هم به بررسی نرخ‌های مؤثر مالیاتی در گروه‌های درآمدی می‌پردازند و حدی از تصاعدی بودن را توصیه می‌کنند و مشکلات خاص متدولوژی که از نظر تاریخی به مطالعات برد و دِ ولف (۱۹۷۳) باز می‌گردد، هنوز هم وجود دارند. برای مثال، در مطالعات تأثیر مالیات به‌طور گسترده از درآمد مشمول مالیات (چودری، ۱۹۸۸) و درآمد خالص (بالک و پاک و دیگران، ۱۹۹۶) و درآمد دائمی (جیل - یاس، ۱۹۸۲) استفاده می‌شود. علاوه بر این، در قسمت‌های تجزیه و تحلیل و فرضیه‌های اساسی در تحقیقات مالیاتی، تفاوت‌های اساسی وجود دارد.

برای درک بهتر اطلاعات و شناخت در رابطه با تأثیر مالیات در کشورهای در حال توسعه، این مقاله نتایج بررسی همه مطالعات در خصوص تأثیر مالیات ارائه شده بعد از مطالعه برد و دِ ولف (۱۹۷۳) و دِ ولف (۱۹۷۵) را نشان می‌دهد. هدف از بررسی، ثبت نکات مهم از هر تحقیق است که در زیر ذکر شده است: کشور و دوره مورد بررسی، مفهوم درآمد استفاده شده، مالیات‌های مد نظر قرار گرفته، واحد تحلیل‌ها (اشخاص، خانواده)، پوشش (همه اشخاص، دستمزدبگیران یا بازنشسته‌ها)، اندازه تصاعدی بودن مالیات و نتیجه مطالعه درباره تأثیر مالیات.

جدول ۴ نکات زیر را پیشنهاد می‌کند.

● بنا به برخی ملاحظات، کلاً سیستم مالیاتی اعم از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم در ۱۹ کشور مورد بررسی قرار گرفت و نرخ مالیاتی در ۱۳ حالت از ۳۶ حالت تصاعدی، ۷ مورد تناسبی، و ۷ مورد نزولی هستند و بقیه حالت‌ها تأثیرات دوگانه یا مبهم دارند.

● با توجه به سیستم‌های مالیات بر درآمد در ۸ کشور، ۱۲ حالت از ۱۴ حالت تصاعدی‌اند، یک حالت نزولی و یکی هم ترکیبی از هر دو است. در ۵ حالت مالیات بر حقوق در ۳ کشور، ۳ حالت نزولی و دو حالت تأثیرات نامشخص دارند.

● در هشت مطالعه یک کاهش در نرخ تصاعدی مالیات‌های مستقیم طی زمان گزارش شده است. برخی مطالعات که در این جدول گزارش نشده‌اند نشان می‌دهند که مالیات‌های غیرمستقیم به آن اندازه که در مطالعه برد و دِ ولف (۱۹۷۳) و دِ ولف (۱۹۷۵) تصاعدی در نظر گرفته شده‌اند، تصاعدی نیستند.^۹

اثر منافع حاصل از مخارج دولت^{۱۰}

در یک بررسی فراگیر که حدود ۲۵ سال پیش انجام شده، مک لور (۱۹۷۴) تأثیر مخارج را «چگونه مخارج جاری دولت بر درآمد ملی تأثیر می‌گذارد» و تأثیر منافع را «چه کسی منافع حاصل از خدمات دولتی

دریافت می‌دارد» بیان می‌نماید.^{۱۱} تحلیل تأثیر منافع فقط در صورتی که آن‌ها محدودیت‌های خود را داشته و به‌طور مناسب اجرا شوند، مفهوم دارد.^{۱۲} مفاهیم هدف‌گذاری و تصاعدی بودن که در تفسیر داده‌ها مرتباً استفاده می‌شود و استفاده شایسته هر یک از داده‌ها و استفاده در این مطلب به‌شرح زیر است.^{۱۳}

● اگر سهم سود فقیرترین دهک مردم از مخارج، بزرگ‌تر (کوچک‌تر) از سهم ثروتمندترین دهک باشد، مخارج دولت هدف مناسب (غیرمناسب) ارزیابی می‌شود.^{۱۴} به این مفهوم که سود فقیرترین دهک بیشتر از ۲۰ درصد ثروتمندترین دهک، بدون هیچ قیدی باشد.

● اگر منافع فقیرترین دهک نسبت به درآمد یا مخارج آن‌ها، بزرگ‌تر (کوچک‌تر) از منافع ثروتمندترین دهک باشد، مخارج دولت تصاعدی (نزولی) ارزیابی می‌شود. در مخارج تصاعدی (نزولی)، منافع نشان‌دهنده بخش کوچک‌تر (بزرگ‌تر) از درآمد یا مخارج در درآمدهای بالاتر یا دهک‌های مخارج بالاتر است.^{۱۵}

این توضیحات نشان می‌دهد که اگر مخارج خوب هدف‌گذاری شود، تصاعدی خواهند بود، اما مخارج تصاعدی ممکن است هدف‌گذاری مناسبی نباشد. این امر همچنین نشان می‌دهد که اگر مخارج هدف نامناسبی باشد، ممکن است تصاعدی یا نزولی قهقراپی باشد مناسب هدف قرار دادن مناسب هزینه‌ها و وظیفه دشوارتری از تصاعدی کردن آن است.

اثر منافع حاصل از مخارج آموزشی دولت سی و یک مطالعه از ۵۵ مطالعه انجام شده در خصوص ۲۵ کشور در حال توسعه که اطلاعات مربوط به مخارج حکومت مرکزی‌شان در دسترس بود، نشان می‌دهد که همه تحصیلات (ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی) با مخارج دولت رابطه تصاعدی دارند (جدول ۵).^{۱۶} به‌طور متوسط در ۳۳ مطالعه مخارج آموزشی هدفی نامناسب بوده است، هر چند در این مطالعات مناطق مختلف بوده‌اند. مخارج آموزشی در آسیا و امریکای لاتین هدفی مناسب بوده است، اما در آفریقا، خاورمیانه و کشورهای در حال‌گذار هدف نامناسب بوده است.^{۱۷} اطلاعات واصله از آفریقا نشان می‌دهد که در میان اقتصادهای اخیر، فقیرترین افراد کمترین منافع را دریافت می‌کنند (۱۳ درصد منافع) و ثروتمندترین افراد بیشترین منافع را دریافت می‌کنند (۳۲ درصد از منافع).

● در همه مناطق، مخارج دولت در زمینه آموزش ابتدایی هدف مناسبی است، اما تفاوت‌های اساسی در مناطق مختلف مشاهده شده است. در آفریقا سهم فقیرترین افراد از مخارج آموزش ابتدایی اندکی بیشتر از ثروتمندان است، در حالی‌که در امریکای لاتین سهم افراد فقیر بیش از ۴ برابر، بیشتر از ثروتمندان است.

● به‌طور متوسط، مخارج دولت در آموزش متوسطه در آسیا و امریکای لاتین خوب هدف‌گذاری شده است. اما در آفریقا، خاورمیانه و امریکای لاتین و کشورهای در حال‌گذار، هدف‌گذاری ضعیف بوده است.

جدول ۴: کشورهای در حال توسعه: سیستم مالیاتی

| مالیات‌های مورد بررسی | | | | کشورهای مورد مطالعه | دوره مورد مطالعه |
|-----------------------|------|-------------------|---------------|---------------------|------------------|
| مالیات‌های غیر مستقیم | | مالیات‌های مستقیم | | | |
| | حقوق | درآمد | همه مالیات‌ها | | |
| ۵ | ۵ | ۱۴ | ۳ | ۳۶ | فراوانی |
| | | | | ۱ | PP |
| ۲ | | ۱۲ | ۱ | ۱۲ | P |
| ۱ | | | ۱ | ۷ | Prop |
| | ۲ | | | ۱ | Insig |
| ۲ | | ۱ | ۱ | ۸ | Mixed |
| | ۳ | | | ۷ | R |
| | | ۱ | | | RR |
| | | | | PP | کلمبیا |
| | | | | P | مکزیک |
| | | | | Prop | کره |
| | | | | Mixed | جامائیکا |
| | P- | | | | هند |
| | | | | P | مکزیک |
| | | | | P | پاکستان |
| | | | | Prop | کره |
| | | | | R | کره |
| | | P- | | | هند |
| | | | | | هند |
| | | | | Prop | کره |
| | | | | Mixed | جامائیکا |
| | | | | R | کره |
| | | | P- | | هند |
| | | | Mixed | | بنگلادش |
| | | | RR | | جامائیکا |
| | | | | | هند |
| | | | | | جامائیکا |
| | | | | P | جامائیکا |
| P, Prop | | | | Prop | فیلیپین |
| Prop | | | | Mixed | فیلیپین |
| | | | | | ۱۹۷۱-۷۵ |
| | | | | | ۱۹۷۶-۸۰ |
| | | | | | ۱۹۸۱-۸۵ |
| | | | | | ۱۹۸۶-۹۰ |

| مالیات‌های مورد بررسی | | | | کشورهای مورد مطالعه | دوره مورد مطالعه |
|-----------------------|--------|-------------------|---------------|---|------------------|
| مالیات‌های غیر مستقیم | | مالیات‌های مستقیم | | | |
| | حقوق | درآمد | همه مالیات‌ها | | |
| Mixedo | R R | P- | R | کره مجارستان مجارستان لهستان | ۱۹۹۱-۹۵ |
| | | | P Insig | پرو گواتمالا جامائیکا لهستان | |
| Mixed | Insig | P P- P- | Mixed | بلغارستان مجارستان هند بلغارستان لهستان | |

منبع: محاسبه شده براساس داده‌های جدول ۱.

P- = تصاعدی کاهشنده

Insig = اثر نامعلوم

O = بررسی مالیات‌های انتخابی

P = تصاعدی

Mixed = مختلط

RR = شدیداً نزولی

PP = شدیداً تصاعدی

Prop = تناسبی

R = نزولی

● به استثنای افریقا، در همه مناطق مخارج آموزش متوسطه دولت غالباً به نفع ثروتمندان است. فقیرترین ۴/۵ درصد منافع حاصل از مخارج آموزش متوسطه را دریافت می‌کنند، در حالی که ثروتمندان بیش از ۵۹ درصد را دریافت می‌کنند. اطلاعات جمع‌آوری شده توسط دیوید و ساچاپینیان (۱۹۹۹) همچنین امکان تجزیه و تحلیل تغییرات در تأثیر منافع برای مدتی را می‌دهد. اطلاعات موجود نشان می‌دهد سهم منابع فقرا از مخارج آموزشی نسبت به ثروتمندان افزایش یافته است. در ۱۱ کشور که اطلاعات تأثیر منافع آموزش در دسترس‌اند، در ۸ کشور وضعیت به نفع فقرا تغییر یافته، در حالی که در ۳ کشور وضعیت بدتر شده است.^{۱۸}

اثر منافع مخارج بهداشتی دولت جدول ۵ نشان می‌دهد که ۲۱ مطالعه از ۳۸ مطالعه انجام شده، مخارج بهداشتی را هدفی مناسب می‌دانند و همه ۳۰ مطالعه در دسترس نشان می‌دهند که مخارج بهداشتی دولت تصاعدی‌اند.

جدول ۵: سیستم مخارج اجتماعی انتخابی کشورهای در حال توسعه

| تناوب : تعداد کشورها | | | | | | | | آموزش |
|----------------------|----------|---------|-----|------|----------|---------|-----|----------|
| تصاعدی | | | | هدف | | | | |
| عالی | دبیرستان | ابتدایی | همه | عالی | دبیرستان | ابتدایی | همه | هدف |
| | | | | ۵۲ | ۵۴ | ۵۴ | ۵۵ | |
| | | | | ۰ | ۲۳ | ۴۲ | ۲۲ | خوب |
| | | | | ۵۲ | ۳۱ | ۱۲ | ۳۳ | فقیر |
| ۱۱ | ۲۶ | ۳۷ | ۳۱ | | | | | سیستم |
| ۶ | ۲۶ | ۳۷ | ۳۱ | | | | | تصاعدی |
| ۵ | ۰ | ۰ | ۰ | | | | | نزولی |
| بهداشت | | | | | | | | |
| تصاعدی | | | | هدف | | | | |
| | | | | | | | ۳۸ | هدف |
| | | | | | | | ۲۱ | خوب |
| | | | | | | | ۱۷ | فقیر |
| | | | ۳۰ | | | | | سیستم |
| | | | ۳۰ | | | | | تصاعدی |
| | | | | | | | | نزولی |
| انتقالی | | | | | | | | |
| تصاعدی | | | | هدف | | | | |
| | | | | | | | ۱۴ | هدف |
| | | | | | | | ۴ | خوب |
| | | | | | | | ۹ | فقیر |
| | | | | | | | ۱ | بی نتیجه |
| | | | ۱۵ | | | | | سیستم |
| | | | ۱۴ | | | | | تصاعدی |
| | | | ۰ | | | | | نزولی |
| | | | ۱ | | | | | بی نتیجه |

Sources: Davoodi and Sachipinan (forthcoming). Central Government data.

مخارج دولت بر «همه نوع بهداشت»^{۱۹} (که مخارج بر مراکز بهداشتی، بیمارستان‌ها و بیمارانی را که در بیمارستان بستری یا سرپایی درمان می‌شوند مقایسه می‌کند) براساس اطلاعاتی که در دوره ۱۹۹۵-۱۹۷۴ از یک نمونه ۱۴ کشور در حال توسعه در دسترس^{۲۰} به دست آمده است، تصاعدی‌اند. به احتمال زیاد در منافع حاصل از آثار مخارج آموزش دولت حدی از انحراف در فزاینده بودن میان کشورهای مختلف وجود دارد.

● به‌طور متوسط مخارج دولت بر بهداشت، در ۲۹ کشور در حال توسعه و در حال‌گذار در دوره ۹۵-۱۹۷۸ هدفی مناسب بوده است. افریقا و اقتصادهای در حال‌گذار تنها منطقه‌های هستند که مخارج بهداشتی دولت در آن‌ها هدف ضعیفی است. در مقابل، در آسیا و امریکای لاتین فقیرترین اشخاص ۱/۵ تا ۳ برابر بیشتر از منافع ثروتمندان منفعت برده‌اند.^{۲۱}

● اثر منافع مخارج بهداشتی در طول زمان در حال تغییر است. از دهه‌های ۱۹۷۰ که اطلاعات مربوط به مخارج بهداشتی برای دو دوره آن‌ها در دسترس است، در پنج کشور سهم منافع فقیرترین افراد، نسبت به ثروتمندان افزایش یافته است، اما برای پنج کشور دیگر این سهم کاهش نشان می‌دهد. به همین ترتیب، تغییرات در آثار اقلام فرعی مخارج بهداشتی از یک روند واحد پیروی نمی‌کنند.

اثر منافع سایر مخارج دولت جدول ۵ خلاصه نتایج به دست آمده از پرداخت‌های انتقالی منتخب را نشان می‌دهد. همچنان‌که مشاهده می‌شود، پرداخت‌ها در تعدادی از کشورها در قالب «سایر مخارج دولت» هدفی مناسب نیستند.

جای تعجب ندارد برنامه‌هایی که خوب هدف‌گذاری شده‌اند، شامل یک سری از اقلام مخارج باشند که در برگیرنده مکانیسم هدف‌گذاری هستند. برگه غذایی (جامائیکا) یا یارانه هدایت شده غذایی (تونس)، نمونه‌های از این اقلام مخارج‌اند. در سری‌لانکا (ادپریسینگ، ۱۹۸۷)، گرچه هم برنامه‌های جهانی و هم برنامه‌های هدف تصاعدی بودند، در واقع برنامه برگه غذایی تصاعدی‌تر و بهتر هدف‌گذاری شده بود. یارانه غذایی در نمونه مورد بررسی خوب هدف‌گذاری نشده بود، دهک‌های بالای درآمدی به‌طور مطلق، منافع بیشتری کسب می‌کردند (به‌طور مثال، تونس).

بخشی از مخارج مسکن (۴ تا ۶ حالت) همانند مقرری (حقوق) و منافع امنیت اجتماعی، اهداف ضعیفی هستند (شیلی، کاستاریکا و اروگوئه). هر چند برخی اوقات هدف‌گذاری بهتر وقتی به دست می‌آید که مقرری یا فوق‌العاده‌های پرداختی و سایر مزایای پرداختی برای زیر خط فقر آمیخته شود (نگاه کنید به میلانوویچ، ۱۹۹۵). در هر صورت، خدمات شهروندی به‌جز سرمایه‌گذاری‌های جدید انجام شده در کلمبیا طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴ غالباً ضعیف هدف‌گذاری شده‌اند.

تعداد کمی از مطالعات، امکان مقایسه‌های زمانی معنادار را می‌دهند. این مطالعات عموماً پیشرفت‌هایی

را به صورت افزایش هدف‌ها نشان می‌دهند. برای مثال، در شیلی، (آنیات، بائر، وکروان، ۱۹۹۱) نشان می‌دهد که سهم دریافت‌های انتقالی نقدی فقیرترین دهک از ۲۳ درصد در ۱۹۹۲ به ۴۰ درصد در ۱۹۹۶ افزایش یافته است. اثر بار توزیعی پرداخت‌های انتقالی همراه با مخارج اجتماعی، عقب‌ماندگی در توزیع بعضی درآمدها را در این دوره جبران کرده است. در کلمبیا در نتیجه سرمایه‌گذاری انجام شده در دوره ۷۴-۱۹۷۰، درصد بزرگی از ۲۰ درصد فقیرترین خانوارها به خدمات عمومی دست یافتند (برق، آب و فاضلاب و روشنایی خیابان‌ها). در کاستاریکا، سهم سود بانسستگی دریافت‌شده فقیرترین اشخاص از ۶ درصد در ۱۹۸۶ به ۹ درصد در ۱۹۹۲ افزایش یافت، اگرچه این سهم هنوز از سهم آن‌ها در ۱۹۸۳ (به میزان ۱۰ درصد) کمتر است.

ب) تغییرات در توزیع درآمد در دهه ۱۹۹۰-۱۹۷۰ تغییرات از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۸۰

اطلاعات در مورد توزیع درآمد برای دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰، فقط برای ۱۹ کشور در حال توسعه در دسترس است: اطلاعات درآمد قبل از مالیات (اما بعد از پرداخت‌های انتقالی) برای ۱۵ کشور (کشورهای گروه «b») و اطلاعات درآمد بعد از مالیات (بعد از پرداخت‌های انتقالی) برای ۴ کشور (کشورهای گروه «a»). در سال‌های ۱۹۷۰ تغییرات ضریب جینی برای کشورهای گروه «b» بین ۳۵ تا ۵۴ درصد و برای کشورهای گروه «a» بین ۳۱ تا ۴۷ درصد بوده است (جدول ۶).

در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ اگرچه میانگین دامنه ضریب جینی برای ۱۹ کشور تغییر فوق‌العاده‌ای نداشته است، اما در بعضی از این کشورها تغییرات قابل ملاحظه‌ای در ضریب جینی مشاهده می‌شود. برای مثال، ضریب جینی قبل از مالیات برای ترینیداد و توباگو و ترکیه ۷ درصد کاهش یافته است (نابرابری توزیع درآمدها کاهش یافته است). در صورتی که برای سری لانکا و جامائیکا ۶ تا ۹ درصد افزایش یافته است (توزیع درآمد نابرابرتر شده است). فیلیپین، اندونزی و مالزی تجربه کوچکی تری، اما هنوز قابل ملاحظه، در بهبود توزیع درآمدها داشتند، در حالی که بنگلادش، سنگاپور و تایلند تجربه قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. ۲۲

بر اساس رشد اقتصادی و عملکرد توزیع درآمد در ۱۹ کشور، شواهدی مبنی بر اینکه رشد پایدار و بلندمدت به‌خودی خود لازمه بهبود در توزیع درآمد است، وجود ندارد، در حالی که رشد دارای تأثیر قوی در کاهش فقر است. در میان کشورهای با رشد اقتصادی بالا، مالزی و اندونزی به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در توزیع درآمد دست یافته‌اند. اما دو کشور تایلند و سنگاپور، در این زمینه تجربه قابل ملاحظه‌ای

نداشته‌اند. همچنین، در کشورهای با رشد اقتصادی پایین، مثل ترینیداد و توباگو و فیلیپین، توزیع درآمد به میزان قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است. گواتمالا با میزان رشد اقتصادی پایین توزیع نامناسب‌تر درآمدی را تجربه کرده است. ۲۳

تغییرات از دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۱۹۹۰

برای ۱۰ کشور نمونه که اطلاعات توزیع درآمد قابل مقایسه برای آن‌ها در دسترس است، میانگین ضریب جینی به میزان ۳ درصد از دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته است. با وجود افزایش نسبتاً کم در میانگین ضریب جینی در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ تغییرات قابل ملاحظه‌ای در ضریب جینی میان کشورها ایجاد شد. به هر حال، از دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۱۹۹۰ تعداد بیشتری از کشورها افزایش قابل ملاحظه‌ای را در ضریب جینی تجربه کرده‌اند.

۱۰ کشور نمونه شامل هفت کشور در حال‌گذار که اطلاعات توزیع درآمد قابل مقایسه آن‌ها برای دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۱۹۹۰ در دسترس است. پیشرفت زیادی را در توزیع درآمد طی دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ تجربه کردند. بنابراین، ضریب جینی برای لهستان، بلغارستان و مجارستان بین ۴ تا ۹ درصد افزایش یافته است، بلغارستان که ضریب جینی آن در دهه ۱۹۸۰ بین ۱۸ تا ۲۶ درصد بوده است، در ۱۹۹۳ افزایش ضریب جینی را تا ۳۴ درصد تجربه کرده است که نسبت به گذشته بیشتر بود، اما هنوز نسبت به استانداردهای اقتصادی بازار کمتر است. به‌طور مشابه، لهستان هم افزایش در ضریب جینی از ۲۷-۲۱ درصد به ۳۳ درصد را تجربه نموده است.

طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کشورهایی که توزیع درآمد در آن‌ها نامتناسب‌تر شده شامل کشورهای با درآمد بالا بوده‌اند (به‌طور مثال، تایلند)، همان‌گونه که شامل کشورهای کمتر توسعه یافته (اردن و کشورهای در حال توسعه اروپایی) بوده‌اند برعکس، در کشور موریس به‌رغم آن‌که دارای اقتصادی ضعیف بود، توزیع درآمدها بهبود یافته است.

ج) برآورد اقتصادسنجی ضریب جینی

برآورد اقتصادسنجی معادله جینی عوامل ممکن مؤثر بر تغییرات ضریب جینی را مشخص می‌سازد. معادله ۱ تعدادی از عوامل مؤثر برای تعیین توزیع درآمد را نشان می‌دهد.

$$g_{it} = C_0 + C_1 r_{it} + C_2 r_{it} d_{it} + C_3 s_{it} + C_4 u_{it} + C_5 k_{it} + C_6 x_{it}(1)$$

جدول ۶: توزیع درآمد در ۱۹ کشور در حال توسعه (دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰)

(درصد)

| تغییرات ((۱) - (۲)) = (۳) | | | دهه ۱۹۸۰ (۲) | | | دهه ۱۹۷۰ (۱) | | | | | | |
|---------------------------|------|----|--------------|-------|----|--------------|------|-------|---|----|-------------|-----------|
| نسبت | سهام | | نسبت | سهام | | نسبت | سهام | | | | | |
| | Q5 | Q1 | | Q5/Q1 | Q1 | | Q5 | Q5/Q1 | | Q1 | Q5 | |
| -۱ | ۰ | ۰ | ۱۱ | ۴۹ | ۵ | ۴۴ | ۱۲ | ۵۰ | ۵ | ۴۴ | همه کشورها | میانگین |
| -۱ | ۰ | ۰ | ۱۲ | ۵۱ | ۵ | ۴۶ | ۱۳ | ۵۱ | ۵ | ۴۶ | کشورهای "b" | |
| ۰ | -۱ | ۰ | ۷ | ۴۴ | ۷ | ۳۶ | ۷ | ۴۴ | ۷ | ۳۶ | کشورهای "a" | |
| ۰ | ۱ | ۰ | ۵ | ۴۱ | ۹ | ۳۱ | ۵ | ۴۰ | ۹ | ۳۱ | a | هند |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۵ | ۴۱ | ۸ | ۳۲ | ۵ | ۴ | ۹ | ۳۱ | a | پاکستان |
| ۱ | ۲ | ۰ | ۶ | ۴۵ | ۷ | ۳۷ | ۶ | ۴۳ | ۷ | ۳۵ | b | بنگلادش |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۷ | ۴۳ | ۷ | ۳۶ | ۷ | ۴۳ | ۷ | ۳۶ | b | کره |
| ۰ | -۲ | ۰ | ۵ | ۴۲ | ۸ | ۳۳ | ۵ | ۴۴ | ۸ | ۳۷ | a | اندونزی |
| ۱ | ۵ | -۱ | ۷ | ۴۷ | ۷ | ۴۱ | ۶ | ۴۲ | ۷ | ۳۷ | b | سنگاپور |
| ۱ | ۱ | ۰ | ۸ | ۴۷ | ۶ | ۴۵ | ۷ | ۴۶ | ۷ | ۳۹ | b | سری لانکا |
| ۳ | ۴ | -۱ | ۱۳ | ۵۳ | ۴ | ۴۶ | ۱۰ | ۴۸ | ۵ | ۴۲ | b | تایلند |

| تغییرات (۱۱) - (۲) = (۳) | | | | دوره ۱۹۸۰ (۲) | | | | دوره ۱۹۷۰ (۱) | | | | | |
|--------------------------|------|----|-----------|---------------|------|----|-----------|---------------|------|----|-----------|---|-----------|
| نسبت | سهام | | ضریب جثتی | نسبت | سهام | | ضریب جثتی | نسبت | سهام | | ضریب جثتی | | |
| | Q5 | Q1 | | | Q5 | Q1 | | | Q5 | Q1 | | | |
| ۰ | ۲ | ۰ | ۱ | ۱۰ | ۴۹ | ۵ | ۴۲ | ۱۰ | ۴۷ | ۵ | ۴۳ | b | وزنزولا |
| -۳ | -۱ | ۱ | -۱ | ۹ | ۴۹ | ۵ | ۴۳ | ۱۲ | ۵۰ | ۴ | ۴۵ | b | جامائیکا |
| -۲ | -۲ | ۰ | -۲ | ۱۳ | ۵۱ | ۴ | ۴۶ | ۱۵ | ۵۳ | ۴ | ۴۷ | a | کاستاریکا |
| -۱۰ | -۷ | ۱ | -۷ | ۱۳ | ۴۵ | ۳ | ۴۲ | ۲۳ | ۵۱ | ۲ | ۴۹ | b | ترینیداد |
| -۵ | -۲ | ۲ | -۳ | ۱۰ | ۵۲ | ۵ | ۴۶ | ۱۵ | ۵۴ | ۴ | ۴۹ | b | فلیپین |
| ۱۷ | ۹ | -۳ | ۹ | ۲۷ | ۶۳ | ۲ | ۵۹ | ۹ | ۵۴ | ۶ | ۵۰ | b | گواتمالا |
| -۷ | -۷ | ۲ | -۷ | ۱۰ | ۵۰ | ۵ | ۴۴ | ۱۶ | ۵۷ | ۴ | ۵۱ | b | ترکیه |
| -۳ | -۳ | ۱ | -۳ | ۱۲ | ۵۳ | ۴ | ۴۸ | ۱۵ | ۵۶ | ۴ | ۵۱ | b | مالتزی |
| ۲ | -۲ | -۱ | ۰ | ۱۵ | ۵۶ | ۴ | ۵۱ | ۱۳ | ۵۸ | ۵ | ۵۲ | b | کلمبیا |
| -۳ | -۱ | ۰ | -۱ | ۲۱ | ۵۶ | ۳ | ۵۲ | ۲۴ | ۵۷ | ۳ | ۵۳ | b | پاناما |
| -۶ | -۳ | ۱ | -۱ | ۱۶ | ۵۸ | ۴ | ۵۳ | ۲۲ | ۶۰ | ۳ | ۵۴ | b | مکزیک |

Source: Deininger and Squire (1996)

"b" براساس درآمد قبل از مسابقات.

"a" براساس درآمد پس از مسابقات.

اختلافات ناشی از گرد کردن خطاها است.

جدول ۷: تغییرات در توزیع درآمد در ده کشورهای در حال توسعه (دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰) ۲۴

| | | تغییرات (۱) - (۲) = (۳) | | | دوره ۱۹۹۰ (۲) | | | دوره ۱۹۸۰ (۱) | | | |
|-------|------|-------------------------|------|-------|---------------|------|------|---------------|------|------|------|
| نسبت | سهام | | نسبت | نسبت | | نسبت | سهام | | نسبت | سهام | |
| | Q5 | Q1 | | Q5/Q1 | Q5/Q1 | | Q5 | Q1 | | Q5 | Q1 |
| Q5/Q1 | | | ضرب | ضرب | نسبت | نسبت | ضرب | نسبت | نسبت | ضرب | نسبت |
| | | | چینی | چینی | | | | | | | |
| ۱ | ۱ | -۱ | ۳ | ۸ | ۴۵ | ۷ | ۳۸ | ۷ | ۳۵ | ۴۳ | ۸ |
| ۱ | ۲ | -۱ | ۳ | ۹ | ۴۵ | ۷ | ۳۸ | ۸ | ۳۵ | ۴۳ | ۷ |
| ۱ | ۱ | -۱ | ۲ | ۷ | ۴۴ | ۷ | ۳۷ | ۶ | ۳۵ | ۴۳ | ۸ |
| ۳ | ۵ | -۴ | ۹ | ۶ | ۳۹ | ۷ | ۳۲ | ۳ | ۲۳ | ۳۴ | ۱۱ |
| ۱ | ۵ | -۱ | ۵ | ۴ | ۳۷ | ۹ | ۲۸ | ۳ | ۲۳ | ۳۳ | ۱۰ |
| ۱ | ۲ | -۱ | ۴ | ۵ | ۳۷ | ۸ | ۲۸ | ۴ | ۲۵ | ۳۵ | ۱۰ |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۵ | ۴۱ | ۹ | ۳۱ | ۵ | ۳۱ | ۴۱ | ۹ |
| ۰ | -۱ | ۰ | -۱ | ۵ | ۴۰ | ۸ | ۳۱ | ۵ | ۳۲ | ۴۱ | ۸ |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۲ | ۷ | ۴۸ | ۶ | ۴۱ | ۷ | ۳۸ | ۴۷ | ۷ |
| -۱ | -۲ | ۱ | -۳ | ۶ | ۴۳ | ۷ | ۳۷ | ۸ | ۴۰ | ۴۶ | ۶ |
| ۲ | ۱ | -۱ | ۲ | ۱۰ | ۵۰ | ۵ | ۴۵ | ۸ | ۴۳ | ۵۰ | ۶ |
| ۲ | ۴ | ۰ | ۴ | ۱۵ | ۵۷ | ۴ | ۵۰ | ۱۳ | ۴۶ | ۵۳ | ۴ |
| ۰ | -۲ | ۰ | ۰ | ۱۵ | ۵۴ | ۴ | ۵۱ | ۱۵ | ۵۱ | ۵۶ | ۴ |

Source: Deininger and Squire (1996).

اختلافات ناشی از گرد کردن خطاها است.

g = ضریب جینی (درصد)

f = نسبت مالیات‌های مستقیم به غیرمستقیم (درصد)

d = نسبت مالیات‌های مستقیم به محصول ناخالص داخلی (درصد)

s = نرخ ثبت نام در مدارس متوسطه (درصد)

u = شهرنشینی (درصد)

k = متغیر مجازی کشورهای در حال‌گذار

x = متغیر مجازی تورم و

t و i = اندیس کشور و اندیس زمان برای سه دهه (دهه ۱۹۷۰، دهه ۱۹۸۰، دهه ۱۹۹۰)

به‌رغم این‌که ضریب جینی برآورد شده دینینگر و اسکوایر براساس یک روش مقایسه‌ای معقولانه در میان کشورها و طی زمان به‌دست آمده است، هنوز هم از نظر روش‌شناسی، براساس مصرف یا درآمد قبل یا بعد از مالیات که معمولاً پرداخت‌های انتقالی دولت را شامل می‌شود، همگن نیستند. ضریب جینی مصرف منعکس‌کننده آثار مالیات‌ها است.

تصریح معادله (۱) بر این اساس است که با توجه به مشخصات داده‌ها، متغیرهای توضیحی این معادله بر توزیع «درآمد بازار» اثر می‌گذارند. در تصریح معادله، هدف آزمون نتایج توزیع سیستم مالیاتی و میزان ورود به آموزش متوسطه است. با توجه به این‌که ماهیت داده‌های وارد شده در ضریب جینی براساس مصرف است، همان‌طور که براساس درآمد قبل و بعد از مالیات است، مالیات‌ها می‌توانند بر ضرایب جینی محاسبه شده براساس مصرف تأثیر بگذارند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، یک افزایش در ورود به آموزش متوسطه به‌طور معناداری توزیع سرمایه‌های انسانی و ظرفیت درآمدهای آن‌ها را بهبود می‌بخشد. جدول ۸ نشان‌دهنده نتایج برآوردها است. نتایج نشان‌دهنده شواهد تجربی ارتباط بین توزیع درآمد و تعدادی از عوامل بالقوه مؤثر بر آن است: سیستم مالیاتی، ورود به آموزش متوسطه، شهرنشینی و تورم. فرض بر آن است که بقیه عوامل ثابت‌اند. ضریب جینی به‌طور منفی (یا برابری درآمد به‌طور مثبت) در ارتباط با (۱) نرخ مالیات مستقیم به غیرمستقیم، و (۲) میزان آموزش متوسطه است. از آن‌جاکه آثار توزیع مجدد سیستم مالیاتی نه تنها به ساختار مالیات‌ها بلکه همچنین به اندازه نسبت درآمد مالیاتی به محصول ناخالص داخلی بستگی دارد، معادله شامل نسبت مالیات مستقیم به غیرمستقیم و مالیات مستقیم به محصول ناخالص داخلی است.

هم افزایش در نرخ مالیات مستقیم به غیرمستقیم و هم افزایش در نرخ آموزش متوسطه، ضریب جینی را کاهش می‌دهد. شهرنشینی ممکن است آثار مثبت و منفی یا خنثی داشته باشد. رشد اقتصادی منجر به افزایش

طبقه بالای درآمدی شهرنشینان می‌شود که می‌تواند به افزایش نابرابری درآمد بیانجامد. مهاجرت کارگران غیرماهر از روستا به شهر تأثیری بر نابرابری درآمد ندارد. برخی مطالعات نشان‌دهنده آن است که تورم بالا با نابرابری درآمد بالا در ارتباط است، اگرچه طی زمان توزیع درآمد به متغیرهای واقعی، (به‌طور، مثال توزیع مهارت) بیشتر از تورم بستگی دارد. در برآورد معادله محدودیت‌هایی بر ضرایب دو نمونه اعمال شده است: یکی از محدودیت‌ها وارد کردن کشورهای در حال توسعه و در حال‌گذار (برآوردهای نشان داده شده با "a") و دیگری وارد کردن فقط کشورهای در حال توسعه (برآوردهای نشان داده شده با "b") است. در نمونه شامل کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال‌گذار، متغیر مجازی برای کشورهای در حال‌گذار ضریب جینی پایینی را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده میراث آن‌ها از عصر سوسیالیستی است. برآوردها نتایج زیر را پیشنهاد می‌کنند:

● آثار متغیرهای نرخ مالیاتی و شهرنشینی به‌طور نسبتاً خوبی از نظر آماری معنادارند. علاوه بر این، در رگرسیون (A-1) برآورد ضرایب متغیرهای نشان‌دهنده نرخ مالیات‌های مستقیم بر مالیات‌های غیرمستقیم و نرخ مالیات مستقیم به محصول ناخالص داخلی از نظر آماری معنادارند.

● نقش آموزش متوسطه روشن نیست. برای نمونه A، بدون متغیر مجازی برای کشورهای در حال‌گذار، ضریب برآورد شده برای میزان تحصیل در آموزش متوسطه از نظر آماری معنادار است. اگرچه برآوردها برای نمونه B یا برای نمونه A بدون متغیر مجازی کشورهای در حال‌گذار از نظر آماری معنادار نیستند. معنادار بودن نمونه A بدون متغیر مجازی کشورهای در حال‌گذار ممکن است منعکس‌کننده اختلاف بین میزان اشتغال به تحصیل در آموزش متوسطه بین کشورهای در حال‌گذار و کشورهای در حال توسعه باشد.

● برآوردها نشان‌دهنده آن است که در بلندمدت تورم تغییری در ضریب جینی ایجاد نمی‌کند و قدرت توضیحی معادلات محدود است. این امر که نشان‌دهنده آن است که عوامل بسیار دیگری بر توزیع درآمد مؤثرند.

د) نقش مالیات‌ها و مخارج اجتماعی دولت

مرور

برآورد معادلات گزارش شده در جدول ۸، نشان‌دهنده برخی شواهد مبنی بر آثار سیستم مالیاتی و ورود به مقطع متوسطه، بر توزیع درآمد است. یکی از معادلات، معادله (A-1)، نشان می‌دهد که این دو متغیر از

جدول ۸: برآورد معادله جینی برای کشورهای در حال توسعه^۱

| | متغیرهای مجازی تورم (X) | متغیر مجازی کشورهای در حال گذار (k) | نرخ ورود به مقطع متوسطه (u) | نرخ ورود به مقطع ابتدایی (s) | Γ برابر نرخ مالیات مستقیم به GDP (rd) | نرخ مالیات مستقیم به مالیات غیر مستقیم (γ) (r) | ضریب ثابت (c) | |
|---------|-------------------------|-------------------------------------|-----------------------------|------------------------------|---------------------------------------|--|-------------------|---------------|
| (۱-۱.A) | | | ۰/۲۲۹ (۴/۸) | -۰/۲۰۱ (-۳/۶۲) | ۰/۰۰۰۸ (۲/۲۱) | -۰/۰۲۵ (-۲/۷۲) | ۴۱/۷۲۲ (۱۵/۱۹) | ضریب آزمون t |
| (۱-۱.B) | | | ۰/۲۱۳ (۴/۳۳) | -۰/۰۵۴ (-۰/۹۹) | ۰/۰۰۰۴ (۱/۰۸) | -۰/۰۱۹ (-۲/۰۷) | ۳۷/۰۶۹ (۱۳/۷۵) | ضریب آزمون t |
| (۱-۲.A) | -۱/۰۱۰ (-۰/۳۸) | -۱۹/۵۸۳ (-۶/۲۵) | ۰/۳۱۳ (۶/۷۶) | -۰/۰۶۲ (-۰/۹۳) | | -۰/۰۲ (-۲/۵) | ۳۳/۷۷۹ (۱۱/۶۴) | ضریب آزمون t |
| (۱-۲.B) | -۲/۵۴ (-۰/۶۱) | | ۰/۳۲۲ (۶/۹۶) | -۰/۰۷۷ (-۱/۱۱) | | -۰/۰۲۱ (-۲/۴۷) | ۳۷/۱۷۶ (۱۱/۵۶) | ضریب آزمون t |
| (A) | | | ۴۷ ۸-۱۰۰ | ۴۵ ۴-۹۵ | ۸۴۳ ۴-۲۰۸۰۰ | ۸۱ ۱۶-۶۷۵ | | میانگین دامنه |
| (B) | | | ۴۶ ۸-۸۶ | ۴۲ ۴-۹۵ | ۸۳۶ ۴-۱۲۲۲۲ | ۸۰ ۱۶-۶۷۵ | | میانگین دامنه |

منبع: براساس داده‌های زیر:

Deininger and Squire (1996) and International Monetary Fund, International Financial Statistics and Government Finance Statistics.

۱. برآوردهای با علامت A و B به ترتیب برای نمونه کشورهای در حال توسعه و در حال گذار و نمونه کشورهای در حال توسعه‌اند.

۲. برای نمونه کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، میانگین ضریب جینی ۴۱ است، میانگین نرخ مالیات‌های مستقیم به GDP، ۵/۴ درصد است (A). برای نمونه

کشورهای در حال توسعه، میانگین ضریب جینی ۴۳ است، میانگین نرخ مالیات‌های مستقیم به GDP، ۵/۱ درصد است (A).

$\Gamma = rd$ برابر نرخ مالیات مستقیم به GDP

$s =$ نرخ ورود به مقطع ابتدایی

$u =$ نرخ ورود به مقطع متوسطه

$k =$ متغیر مجازی کشورهای در حال گذار

نظر آماری معنادارند. در تفسیر اندازه ضرایب برآورد شده باید جوانب احتیاطی رعایت شود. ۲۵

● با ثابت بودن سایر عوامل و در حول و حوش میانگین‌ها، یک افزایش خنثای درآمدی در نسبت درآمد مالیات‌های مستقیم به غیرمستقیم به مقدار ۴۰ درصد (از ۸۰ درصد تا ۱۲۰ درصد) ضریب جینی را به اندازه ۰/۷۵ درصد کاهش می‌دهد. یک افزایش یک درصدی در نسبت درآمد مالیات‌های مستقیم به محصول ناخالص داخلی و یک درصد افزایش در نرخ مالیات‌های غیرمستقیم، ضریب جینی را به اندازه ۰/۰۶ درصد افزایش می‌دهد.

● با ثابت بودن سایر عوامل، یک افزایش ۱۰ درصدی در نرخ ورود به مقطع ابتدایی، ضریب جینی را به اندازه ۲ درصد کاهش می‌دهد. این یک بهبود نسبتاً بزرگ در توزیع درآمد است.

ضریب جینی به وسیله معادلاتی که براساس درآمد قبل از مالیات، بعد از مالیات و مصرف سازگارند، توضیح داده شده است. علامت و سطح معنادار بودن ضریب مربوط به نرخ مالیات‌های مستقیم به غیرمستقیم با نتایج حاصل از نوشتارهای موجود در این زمینه سازگار است. این امر نشان‌دهنده فزاینده بودن مالیات‌های مستقیم و مخارج آموزشی، شامل مخارج آموزش متوسطه است. علی‌رغم کوچک بودن اندازه آثار سیاست‌های مالیاتی که نقش فعالی را برای سیاست‌های مالیاتی در توزیع درآمد نشان نمی‌دهند، تحلیل‌های مبتنی بر کشورهای خاص ممکن است به نتایج متفاوتی بیانجامد.

از دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، ضریب جینی به طور معنادار در ۵ کشور کاهش یافته است (یکی از آن‌ها براساس درآمد بعد از مالیات است)، اما در پنج کشور دیگر ضریب جینی افزایش یافته است (در تمامی آن‌ها براساس درآمد قبل از مالیات بوده است) (جدول ۶).

کشورهایی که در آن‌ها ضریب جینی کاهش یافته است، ترینیداد، توپاگو، ترکیه، فیلیپین، اندونزی و مالزی هستند. اندونزی و مالزی به میزان رشد اقتصادی بالا و پایدار، کاهش شدید فقر و اهداف عدالتی دست یافته‌اند. مالزی و فیلیپین به طور فزاینده برنامه‌های آموزشی و بهداشتی را هدف قرار داده‌اند. اندونزی برنامه‌های آموزشی را به طور فزاینده مورد هدف قرار داده است (اگرچه افزایشی است اما کمتر کارا است)، اگرچه برنامه‌های بهداشتی آن به طور ضعیفی مورد هدف قرار گرفته است. به علاوه، اندونزی و مالزی نسبت مالیات به محصول ناخالص داخلی را از طریق افزایش مالیات‌های مستقیم افزایش داده‌اند، اما نرخ مالیات غیرمستقیم به محصول ناخالص داخلی را کاهش داده‌اند. به طور اخص، در هر دو کشور مالیات‌های بین‌المللی به طور معناداری کاهش یافته است (جدول ۹).

کشورهایی که ضریب جینی در آن‌ها به طور معناداری افزایش یافته است، بنگلادش، سنگاپور، تایلند، سری لانکا و گواتمالا هستند. در میان این کشورها، تنها برای بنگلادش مطالعات انجام شده در رابطه با

تأثیرات آموزش دولتی و مخارج بهداشتی در دسترس است که طبق آن‌ها برنامه‌های ابتدایی، متوسطه و عالی اهداف ضعیفی هستند. اگرچه برنامه بهداشتی دارای پیشرفت و خوب هدف‌گذاری شده بود، سنگاپور به میزان رشد اقتصادی بالا دست یافت، اما میزان رشد گواتمالا کم بود. بدتر شدن ضریب جینی در تایلند قابل توجه است. میزان رشد اقتصادی بالا فقر را کاهش داده است اما از نظر منطقی نامتوازن است و بازدهی مخارج آموزشی در میان سطوح و فرصت‌های مختلف آموزشی به‌طور معناداری متفاوت است (آهوچا و همکاران، ۱۹۹۷).

از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ تنها در دو کشور ضریب جینی به‌طور معناداری کاهش یافته است. (جامائیکا و موریتانی)، اما در نه کشور این ضریب به‌طور معنی‌داری افزایش پیدا کرده است. در میان آن‌ها، هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای در حال گذار وجود دارند (جدول ۷). در موریتانی تحلیلی از آثار مخارج عمومی در دسترس نیست، اما مطالعات موجود نشان می‌دهد برنامه غذایی جامائیکا افزایشی بوده است و خوب هدف‌گذاری شده بود، اگرچه سیستم مالیاتی بسیار نزولی (مالیات بر درآمد) یا پیچیده و ناکارا بود (کل سیستم مالیاتی). علاوه بر این، تولیدات کشاورزی جامائیکا در پاسخ به معرفی اصلاحات بازار که در دهه ۱۹۸۰ انجام شد، به‌طور قوی افزایش یافت (هاندا و کین، ۱۹۹۷).

از میان نه کشوری که توزیع درآمد در آن‌ها بدتر شده است، چین، لهستان، بلغارستان، رومانی و مجارستان از کشورهای در حال گذار بوده‌اند و میزان رشد اقتصادی پایین‌تری داشتند. لهستان، بلغارستان و مجارستان یک کاهش بزرگ در نرخ مالیات به تولید ناخالص داخلی خود داشتند (جدول ۱۰). از میان چهار کشور بقیه، هنگ‌کنگ و تایلند به میزان رشد اقتصادی بالا دست یافتند اما قطر و نیجریه میزان رشد پایینی را تجربه کردند. در خصوص آثار مخارج عمومی در قطر، نیجریه، هنگ‌کنگ، SAR، چین و تایلند، مطالعه‌ای در دسترس نیست.

افزایش نابرابری درآمدی که در میان کشورهای نمونه مشاهده می‌شود تا حد قابل ملاحظه‌ای منعکس‌کننده افزایش نابرابری در کشورهای در حال گذار داخل نمونه است. در هر صورت، حتی اگر کشورهای در حال گذار از نمونه حذف شوند روند قابل ملاحظه رو به بالایی در ضریب جینی مشاهده می‌شود. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که جهت‌گیری به سمت بازار در آن‌ها وجود داشته است، نسبت به کشورهای صنعتی همین رابطه به‌طور مشابهی دیده می‌شود.^{۲۶}

در این بدتر شدن، نقش تغییرات در سیستم مالیاتی واضح نیست. به‌طور کلی، تغییر معناداری در سیستم مالیاتی این کشورها وجود نداشته است، اگرچه در بسیاری از کشورهای در حال گذار که افزایش ضریب جینی وجود داشته است، از یک کاهش اساسی درآمد مالیاتی رنج برده‌اند.

جدول ۹: تغییرات در ساختار مالیاتی در ۱۹ کشور در حال توسعه در دهه‌های ۸۰-۱۹۷۰ (درصدی از GDP)

| تغییرات در توزیع درآمد | تغییرات: دهه ۱۹۸۰ کمتر از دهه ۱۹۷۰ | | | | | همه | میانگین |
|------------------------|------------------------------------|---------------|------|--------|------|-----|-------------------|
| | غیر مستقیم | | | مستقیم | همه | | |
| | کالاهای وارداتی | کالاهای داخلی | همه | | | | |
| | -۰/۱ | ۰/۶ | ۰/۵ | ۱/۰ | ۱/۶ | همه | میانگین |
| | -۰/۲ | ۰/۸ | ۰/۶ | ۰/۹ | ۱/۵ | b | |
| | ۰/۳ | ۰/۱ | ۰/۴ | ۱/۴ | ۲/۱ | a | |
| iid | -۰/۱ | -۰/۳ | -۰/۴ | ۶/۴ | ۵/۹ | b | ترینیداد و توباگو |
| iid | -۱/۴ | -۰/۷ | -۲/۱ | ۰/۴ | -۱/۹ | b | ترکیه |
| iid | -۰/۷ | ۰/۷ | -۰/۱ | ۰/۰ | ۰/۰ | b | فیلیپین |
| iid | -۰/۹ | ۰/۶ | -۰/۴ | ۲/۳ | ۱/۹ | a | مالزی |
| | -۰/۷ | ۰/۲ | -۰/۵ | ۳/۰ | ۲/۸ | b | اندونزی |
| | ۱/۸ | -۰/۱ | ۱/۷ | -۰/۲ | ۳/۴ | b | کاستاریکا |
| | -۰/۵ | ۵/۵ | ۵ | ۰/۰ | ۳/۸ | b | جامائیکا |
| | ۰/۳ | -۰/۷ | -۰/۴ | ۲/۴ | ۴ | a | مکزیک |
| | -۰/۵ | ۰/۶ | ۰/۱ | ۰/۶ | ۰/۱ | b | پاناما |
| | ۰/۴ | ۰/۷ | ۱/۱ | ۰/۴ | ۱/۷ | b | کره |
| | -۰/۳ | ۱/۲ | ۰/۹ | -۰/۷ | ۰/۰ | b | کلمبیا |
| | ۱/۵ | ۰/۲ | ۱/۸ | ۱/۰ | ۲/۵ | b | هند |
| | ۰/۶ | ۰/۹ | ۱/۶ | ۰/۶ | ۲/۱ | a | پاکستان |
| did | ۱/۰ | -۰/۴ | ۰/۶ | -۰/۵ | ۰/۱ | a | ونزوئلا |
| did | ۰/۹ | ۰/۱ | ۱/۰ | ۰/۲ | ۱/۱ | b | بنگلادش |
| did | -۱/۱ | ۰/۴ | -۰/۷ | ۰/۹ | ۰/۶ | b | سنگاپور |
| did | -۰/۴ | ۱/۰ | ۰/۶ | ۰/۹ | ۱/۶ | b | تایلند |
| did | -۰/۶ | ۱/۹ | ۱/۳ | ۰/۳ | ۱/۸ | b | سری لانکا |
| did | -۱/۱ | ۰/۳ | -۰/۹ | ۰/۰ | -۱/۳ | b | گواتمالا |

Sources: International Monetary Fund, International Financial Statistics and Government Finance Statistics.

iid = بهبود در توزیع درآمد
did = بدتر شدن توزیع درآمد

هیچ کدام از ۸ کشوری که اصلاح سیستم مالیاتی آن‌ها اخیراً در مطالعه بانک جهانی گزارش شده است، قبل از انجام اصلاحات دارای نرخ‌های تصاعدی موفق در توزیع تصاعدی بار مالیاتی نبوده‌اند (تریسک، ۱۹۹۷). معمولاً اصلاحات مالیاتی در کشورهای در حال توسعه با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی همراه با کارایی و توجه به عدالت انجام می‌شود، به ندرت بهبود در عدالت به‌عنوان هدفی خاص مطرح است. به‌رغم آن‌که نوشتارهای موجود در این زمینه نشان می‌دهد، مالیات بر درآمد آثار افزایشی دارد، رگرسیون‌ها نشان می‌دهند که اندازه این اثر چندان بزرگ نیست.

به‌طور معمول، کشورهای در حال توسعه میزان ورود به مقطع ابتدایی و متوسطه را از طریق برنامه‌های آموزشی عمومی افزایش داده‌اند. برنامه‌های انتقالی اغلب به صورت پرداخت برای غذا، سوخت و کودشیمیایی و سایر سوبسیدها انجام می‌شود تا به صورت نقدی مانند منافع بیکاری و بازنشستگی، که به‌طور گسترده‌ای محدود به کارگران بخش عمومی است. حرکت اقتصادهای در حال گذار به سوی اقتصاد بازار از اوایل دهه ۱۹۹۰ با مسیر قراردادن برنامه‌های اجتماعی برای بالابردن سطح شاخص‌های اجتماعی شروع شد، اما کاهش تولید این کشورها، آن‌ها را مجبور به کاهش مخارج اجتماعی کرد. در نتیجه، بسیاری از اقتصادهای در حال گذار، بدتر شدن در شاخص‌های اجتماعی را تجربه کردند.

برای توضیح نابرابری درآمد قبل از مالیات در کشورهای صنعتی، چندین دلیل ارائه می‌شود.^{۲۷} دو دلیل از آن‌ها می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه نیز کاربرد داشته باشد.

● بازبودن اقتصاد کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین (به‌طور مثال، چین و هند) در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت، دستمزد کارگران بی‌مهارت در کشورهای با درآمد متوسط (به‌طور مثال، تایلند) را، که رقیب کشورهای با درآمد پایین است، کاهش می‌دهند.

● با جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه به تدریج هنجارهای اجتماعی خود را در رابطه با برابری درآمد به تحمل درجات بیشتری از نابرابری درآمد تعدیل کرده‌اند.

در میان کشورهایی که این روند وسیع را نپذیرفته‌اند، آن‌هایی که برنامه‌های آموزشی و بهداشتی خوب هدف‌گذاری شده و تصاعدی داشته‌اند، این برنامه‌ها درآمد بالقوه کارگران با درآمد پایین را افزایش داده است. برخی کشورها به میزان رشد اقتصادی بالادست یافته‌اند، اگرچه همه کشورهای با میزان رشد اقتصادی بالا به کاهش در نابرابری دست نیافته‌اند.

شایان توجه است که محاسبه نابرابری درآمد، قبل و بعد از مالیات در کشورهای در حال توسعه، برخلاف کشورهای صنعتی که در آن‌ها برآوردهای ضریب جینی به‌طور جداگانه برای «درآمدهای بازار» قبل از مالیات، قبل از پرداخت‌های انتقالی، و بعد از مالیات و بعد از پرداخت‌های انتقالی «درآمدهای قابل

تصرف»، وجود دارد، با مشکلاتی مواجه است. ضریب جینی برای کشورهای در حال توسعه تنها برای درآمد قبل از مالیات (اما بعد از پرداخت‌های انتقالی) یا بعد از مالیات (و بعد از پرداخت‌های انتقالی) وجود دارد. تنها برای دو کشور ضریب جینی از هر دو روش قابل دسترسی است.

داده‌ها برای برآوردهای ضریب جینی قبل از مالیات و قبل از پرداخت‌های انتقالی و برآورد ضریب جینی بعد از مالیات و بعد از پرداخت انتقالی در دسترس نیست. در هر صورت سهم کوچک برنامه پرداخت‌های انتقالی در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که ضریب جینی در هر دو روش برای کشورهای در حال توسعه تفاوتی نمی‌کند اما در کشورهای صنعتی این ضریب فرق می‌کند.

تجربه کشورهای منتخب

مابقی این بخش به بررسی اصلاحات مالیاتی و سیاست‌های مخارج اجتماعی و آثار توزیعی آن‌ها در مجارستان، اندونزی و تایلند، سه کشوری که تجربه تغییرات زیادی در ضریب جینی داشته‌اند، اختصاص دارد. در همه این کشورها نسبت مالیات‌های مستقیم به غیرمستقیم و میزان ورود به مقطع متوسطه افزایش یافته است. هر چند کشورهای یاد شده به موفقیتی در توزیع درآمد دست نیافته‌اند. به‌رغم این که ضریب جینی برای اندونزی کاهش یافته است، تایلند و مجارستان افزایش در ضریب جینی را تجربه کرده‌اند (جدول ۱۱).

مجارستان

در خلال سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ حرکت مجارستان به سوی جامعه مبتنی بر بازار ساختارهای اقتصادی آن کشور را دچار تغییراتی کرد که نتیجه آن یک رکود اقتصادی مقطعی بود. به‌رغم افزایش ملایم در نرخ مالیات‌های مستقیم به غیرمستقیم (به اندازه ۲۴ درصد) و نرخ ورود به آموزش متوسطه (۲۲ درصد)، مجارستان با یک افزایش ۹ درصدی در ضریب جینی بعد از مالیات روبه‌رو شد. تغییرات سیستم مالیاتی و برنامه‌های حمایت اجتماعی که در زیر بحث می‌شود تأثیر مستقیمی بر ضریب جینی بعد از مالیات (و بعد از پرداخت‌های انتقالی) داشته‌اند. تغییرات در برنامه‌های آموزشی احتمالاً ضریب جینی قبل از مالیات و از این رهگذر ضریب جینی بعد از مالیات را تحت تأثیر قرار داده که در این گزارش به آن اشاره نشده است. شایان توجه است که ضریب جینی علی‌رغم افزایش در نرخ مالیات مستقیم به غیرمستقیم و میزان ورود به مقطع متوسطه افزایش یافته است.

اصلاحات سیستم مالیاتی مجارستان با معرفی مالیات بر درآمد شخصی و مالیات ارزش افزوده در

سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت ... ۱۳۰

۱۹۸۸ آغاز شد و با معرفی یک مالیات جدید بر درآمد شرکت‌ها در ۱۹۹۲ ادامه یافت. از آن به بعد بهبود در کارایی سیستم مالیاتی از طریق تعدیل نرخ‌های تمامی مالیات‌ها و طبقات مالیات بر درآمد اشخاص و شرکت‌ها و کاهش معافیت‌های مالیاتی مورد توجه قرار گرفته است. بسط پایه مالیات بر ارزش افزوده از طریق منطقی کردن نرخ‌های آن و گسترش پوشش آن به همراه این تغییرات بوده است. سیستم فعلی مالیات در مجارستان نسبت به ۱۹۸۸ بیشتر متکی بر مالیات‌های مستقیم و مالیات بر مصرف با پایه گسترده است. ۴۰ درصد درآمد مالیاتی که از اشخاص، شرکت‌ها و ارزش افزوده در ۱۹۸۸ به دست آمده است، با ۳۰ درصد درآمد مالیاتی در ۱۹۹۰ قابل مقایسه است.

جدول ۱۰: تغییرات در ساختار بار مالیات دهه‌های ۹۰-۱۹۸۰ در ده کشورهای در حال توسعه

(درصدی از GDP)

| تغییرات در توزیع درآمد | تغییرات دهه ۱۹۹۰ منتهی ۱۹۸۰ | | | | | همه | میانگین | |
|------------------------|-----------------------------|-----------------|------|--------|-------|-----|------------|---|
| | غیرمستقیم | | | مستقیم | همه | | | b |
| | کالاها بین‌المللی | کالاها داخلی | همه | | | | | |
| iid | -۰/۲ | -۰/۱ | -۰/۳ | -۰/۳ | -۱/۰ | همه | | |
| | ۰/۰ | -۰/۳ | -۰/۳ | -۱/۰ | -۲/۴ | b | | |
| | -۰/۵ | ۰/۲ | -۰/۳ | ۰/۳ | ۰/۴ | a | | |
| | -۲/۴ | ۱/۲ | -۱/۲ | ۰/۰ | -۰/۳ | a | موریتس | |
| | -۰/۳ | ۰/۳ | ۰/۱ | ۰/۴ | ۰/۵ | b | پاکستان | |
| iid | ۰/۰ | -۰/۷ | -۰/۷ | ۰/۶ | -۰/۱ | a | هند | |
| | -۰/۴ | ۱/۸ | ۱/۴ | ۲/۴ | ۱/۸ | b | کلمبیا | |
| | -۱/۴ | ۰/۹ | -۰/۵ | -۰/۱ | ۱/۱ | a | پرو | |
| | ۱/۰ | ۳/۹ | ۴/۹ | ۱/۱ | ۶/۵ | a | اردن | |
| | -۰/۱ | -۱/۰ | -۱/۱ | -۰/۳ | -۴/۴ | b | لهستان* | |
| did | -۰/۲ | ۰/۳ | ۰/۱ | ۲/۳ | ۲/۸ | b | تایلند* | |
| | ۱/۲ | -۳/۰ | -۱/۸ | -۹/۶ | -۱۲/۶ | b | بلغارستان* | |
| | ۰/۲ | -۴/۴ | -۴/۲ | ۰/۰ | -۵/۱ | a | مجارستان* | |

Sources: International Monetary fund, International Financial Statistics and Government finance Statistics.

iid = بهبود در توزیع درآمد
did = بدتر شدن توزیع درآمد

تعدیل سیستم مالیاتی تقریباً طی دهه گذشته هر سال یکبار انجام شده است. در ۱۹۸۸ نرخ مالیات بر درآمد اشخاص ۱۱ طبقه و دامنه تغییرات نرخ‌ها بین ۲۰ تا ۶۰ درصد بوده است. در ۱۹۹۹ سه طبقه وجود داشت و بین ۲۰ تا ۴۰ درصد تغییر می‌کرد. در ۱۹۸۸ مالیات بر منافع سرمایه ۵۰ درصد بود، اما در ۱۹۹۷ به ۲۰ درصد درآمد شرکت‌ها تقلیل یافت. در ۱۹۸۸ مالیات بر ارزش افزوده با سه نرخ صفر، ۱۵ و ۲۵ درصد اعمال می‌شد. نرخ صفر برای اغلب محصولات غذایی، سوخت‌ها و داروها و گرمایش خانه‌ها و صادرات اعمال می‌شد، نرخ ۱۵ درصد در مورد اغلب خدمات اعمال می‌شد و برای حدود ۴۰ درصد مخارج مصرفی، نرخ ۲۵ درصد اعمال می‌شد. در ۱۹۹۳ یک تغییر بزرگ در ساختار نرخ‌های مالیات بر ارزش افزوده صورت گرفت، ۸۰ درصد محصولات غذایی و گرمایش خانه‌ها مشمول نرخ کمتر، ده درصد، شد و خدمات عمومی با نرخ ۲۵ درصد مشمول مالیات شدند. در ۱۹۸۸ نرخ ۱۰ درصد، به ۱۲ درصد افزایش یافت و نرخ صفر برای دارو و صادرات اعمال شد. خدمات تأمین مالی، آموزش، بهداشت و خدمات پستی همچنان معاف‌اند.

نظیر دیگر کشورهای در حال گذار، مجارستان گذار به بازار را از طریق افزایش برنامه‌های اجتماعی شامل خدمات بهداشتی و آموزش محلی شروع کرد. نرخ ورود به دوره متوسطه در سیستم آموزشی ۸۰ درصد بود، در این سیستم نسبت معلم به دانش آموز حتی از کشورهای صنعتی کمتر بود. از اواسط دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ کاهش بزرگ سوبسیدهای قیمتی هدف‌گذاری نشده و از طریق افزایش در منافع نقدی گروه‌های آسیب‌پذیر شامل مستمری سنین بالا، مستمری خانوارهای متأهل و پرداخت‌های بی‌کاری جبران شده است.

اندونزی

در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ اندونزی به رشد اقتصادی پایدار، بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر دست یافت. اندونزی همچنین برنامه‌هایی را برای ارتقای سیستم مالیاتی و بسط برنامه‌های آموزشی ترتیب داده است. در فاصله دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ضریب جینی بعد از مالیات ۳ درصد کاهش یافته و نرخ مالیات مستقیم به غیرمستقیم ۵۰ درصد افزایش یافته است، اگرچه این نرخ بعداً کاهش یافت و نرخ ورود به مقطع متوسطه تقریباً دو برابر شد. به نظر می‌رسد که مالیات‌ها و سیاست‌های مخارج اجتماعی همدیگر را در کاهش ضریب جینی بعد از مالیات تقویت کرده‌اند.

اصلاح سیستم مالیاتی اندونزی طی سال‌های ۱۹۸۰ با هدف افزایش درآمدها و دستیابی به کارایی و تسهیل سیستم مالیاتی اما بدون آنکه برای فقرا اثر معکوس داشته باشد، انجام شد. هدف بسته مالیاتی سال

جدول ۱۱: تغییرات در ضریب جینی، ساختار مالیات و ثبت نام در مدارس متوسطه در کشورهای در حال توسعه منتخب

| درصد تغییرات در ضریب جینی قبل از مالیات (b) | | درصد تغییرات در DI/IT | | درصد تغییرات در ثبت نام در مدارس متوسطه | | | |
|--|--------------------|-----------------------|--------------------|--|--------------------|--------------------|--------------------|
| دهه‌های ۱۹۷۰-۸۰ | دهه‌های ۱۹۸۰-۹۰ | دهه‌های ۱۹۷۰-۸۰ | دهه‌های ۱۹۸۰-۹۰ | دهه‌های ۱۹۷۰-۸۰ | دهه‌های ۱۹۸۰-۹۰ | دهه‌های ۱۹۷۰-۸۰ | دهه‌های ۱۹۸۰-۹۰ |
| کاهش زیاد در ضریب جینی | | | | | | | |
| | | | | | | | |
| | ۱۲۸ | | ۱۵۱ | | -۷ | b | ترکیه |
| | ۱۴۹ | | ۱۳۶ | | -۷ | b | ترینیداد و توباگو |
| | ۱۱۶ | | ۱۰۰ | | -۳ | b | فیلیپین |
| | ۱۱۸ | | ۱۵۳ | | -۳ | b | مالزی |
| | ۱۹۰ | | ۱۴۷ | | -۳ | a | اندونزی |
| افزایش زیاد در ضریب جینی | | | | | | | |
| | | | | | | | |
| | ۱۱۵ | | ۱۲۵ | | ۴ | b | سنگاپور |
| | ۱۱۲ | | ۱۳۸ | | ۴ | b | ناروژ |
| | ۱۳۱ | | ۹۰ | | ۶ | b | سری لانکا |
| | ۱۴۶ | | ۱۱۹ | | ۹ | b | گواتمالا |
| کاهش زیاد در ضریب جینی | | | | | | | |
| | | | | | | | |
| ۱۱۶ | | ۱۰۵ | | -۳ | | a | موریشی |
| افزایش زیاد در ضریب جینی | | | | | | | |
| | | | | | | | |
| ۱۱۷ | | ۱۰۳ | | ۴ | | b | لهستان |
| ۱۴۸ | | ۱۷۲ | | ۴ | | b | ناروژ |
| ۹۱ | | ۵۹ | | ۵ | | b | بلغارستان |
| ۱۲۲ | | ۱۲۴ | | ۹ | | a | مجارستان |

منابع: جدول‌های ۶، ۷، ۹، ۱۰.

DT = مالیات مستقیم IT = مالیات غیرمستقیم

۱۹۸۳، افزایش پایه مالیات بر درآمد اما کاهش نرخ بود. این بسته، که در سال ۱۹۸۵ اجرا شد همچنین شامل مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر مصرف بر کالاهای لوکس بوده اصلاحات بعدی بر روی مالیات بر دارایی صورت گرفت. در مالیات بر ارزش افزوده محصولات غذایی فراوری نشده، برخی اقلام مشخص

محصولات زراعی و خدمات معاف بود، که بعد مالیات بر ارزش افزوده به عمده فروشی و سایر خدمات تعمیم یافت. نتیجه، یک افزایش در پایه مالیاتی و یک سیستم مالیاتی عادلانه‌تر بود. اندونزی برنامه‌های اجتماعی خود را با تکیه بر نرخ رشد اقتصادی پایدار خود به‌طور فزاینده‌ای افزایش داده است. شاخص‌های اجتماعی بدون تغییر قابل ملاحظه‌ای در مخارج اجتماعی به صورت نسبی از محصول ناخالص داخلی، بهبود یافته است. از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ نرخ ورود به آموزش متوسطه تقریباً دو برابر شده است. در میان گروه‌های کم درآمد، در اواخر سال‌های ۱۹۷۰ بهبود معناداری در ورود به آموزش متوسطه صورت گرفت، اندونزی در اواخر ۱۹۸۰ به استانداردهای آموزش متوسطه در سطح جهانی نزدیک گردید. اگرچه باید به این موضوع توجه شود که بهبود حاصله با هزینه از دست دادن کیفیت آموزش حاصل گردید.

تایلند

تایلند کشوری با میزان نرخ رشد بالا است که نرخ فقر را به‌طور اساسی کاهش داده است. نسبت مردم زیر خط فقر، در سرشماری عمومی نفوس از حدود ۲۳ درصد در ۱۹۸۱ به حدود ۱۳ درصد در ۱۹۹۲ کاهش یافته است (بانک جهانی، ۱۹۹۶). اخیراً در واکنش به بحران مالی، تایلند برنامه‌چتر حمایت اجتماعی را گسترش داده است. به هر حال، در خلال دهه‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۰ تایلند افزایشی بزرگ را در ضریب جینی قبل از مالیات تجربه کرد. مشخص نیست که چطور ضریب جینی، به‌رغم افزایش در ورود به مقطع متوسطه، افزایش یافته است. در فاصله دهه‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰ ضریب جینی به اندازه چهار درصد افزایش یافته، در حالی که میزان ورود به مقطع متوسطه به اندازه ۴۸ درصد افزایش یافته بود.^{۲۸} همچنین مشخص نیست که تغییرات در سیستم مالیاتی چطور ضریب جینی بعد از مالیات را، که در این گزارش به آن اشاره نشده است، تغییر می‌دهد. نسبت مالیات‌های مستقیم به غیرمستقیم ۷۲ درصد افزایش یافته است و این افزایش در مالیات‌های مستقیم شاید ضریب جینی بعد از مالیات را کاهش داده باشد. همان‌طور که در ادامه، بحث خواهد شد، به هر حال سیستم مالیاتی هر از گاهی در پاسخ به نیازهای مالی دچار تغییر شده است.

تغییر جهت اصلاحات مالیاتی تایلند اغلب همراه با عدم تعادل‌های اقتصاد کلان بوده است. برای مثال، در سال‌های ۸۶-۱۹۷۳، نرخ مالیات‌های غیرمستقیم در پاسخ به شوک نفتی ۷۴-۱۳۷۳، برای تخفیف دادن تورم بالا و کاهش میزان رشد محصول ناخالص داخلی واقعی کاهش یافت. کسری مخارج در دو سال بعد که اثر به میزان کم افزایش در میزان رشد درآمد واقعی را خشی می‌کرد، درآمدهای بالاتری را می‌طلبید. در

نتیجه، یک سری افزایش در نرخ‌های مالیاتی در خلال دوره ۷۹-۱۹۷۷ اعمال شد. متعاقب شوک نفتی ۸۰-۱۹۷۹ نرخ‌های مالیات بر درآمد در سال‌های ۸۶-۱۹۸۰ کاهش یافت. به نظر می‌رسد باز مالیاتی بالاتری در دوره ۷۹-۱۹۷۷ اعمال شده است. متعاقب شوک نفتی ۸۰-۱۹۷۹ نرخ‌های مالیات بر درآمد در سال‌های ۸۶-۱۹۸۰ کاهش یافت. به نظر می‌رسد باز مالیاتی بالاتر در دوره ۷۹-۱۹۷۷، اغلب مربوط به کاهش مالیات‌های غیرمستقیم باشد که تمایل به نزولی بودن داشته‌اند. به طور مثال، در سال‌های ۱۹۷۰ مالیات‌های غیرمستقیم تقریباً ۸۰ درصد درآمدهای مالیاتی را تشکیل می‌دادند. کاهش نرخ‌های مالیاتی طی دوره ۸۶-۱۹۸۰ منجر به کاهش سهم مالیات بر درآمد اشخاص شد که می‌تواند عامل مؤثری در افزایش نابرابری درآمد بعد از مالیات تلقی شود، زیرا برای یک افزایش در درآمد، میانگین نرخ مالیاتی مؤثر در سال‌های ۱۹۸۰ به همان اندازه نیست که در ۱۹۷۰ بوده است.^{۲۹} ساختار مالیاتی پیچیده است و به وسیله «پایه فرسوده ناشی از مجوزهای خاص، معافیت‌های بالا، شکست در مالیات مزایای شغلی و خنثی نبودن برخورد مالیاتی با گروه‌های متفاوت منابع درآمدی در معاملات مختلف» مشخص می‌شود (تانزی و شوم، ۱۹۹۲). در ۱۹۸۹، تایلند اصلاحات مالیاتی بیشتری را با هدف ساده سازی، خنثایی و ایجاد درآمد صورت داد. طبقات مالیات بر درآمد شخصی (PIT) از ۱۱ به ۶ طبقه کاهش یافت. شمار بیشتری از مؤدیان کم درآمد از تور مالیاتی خارج شدند. کوششی در جهت کاهش معافیت‌های مخارج و اعطای مجوز به درآمدهای تجاری انجام نشد.

در اوایل دهه ۱۹۹۰، تایلند یک سری دیگر از اصلاحات مالیاتی را معرفی کرد. مالیات بر ارزش افزوده در ۱۹۹۲ با نرخ ۷ درصد معرفی و جایگزینی مالیات ناکارا و پیچیده درآمد تجاری شد که دارای ۲۱ نرخ از ۰/۱ درصد تا ۵۰ درصد بود. تعداد طبقات مالیات بر درآمد شخصی از ۶ به ۴ طبقه کاهش یافت، بالاترین نرخ مالیات بر درآمد شخصی از ۵۰ به ۳۷ درصد کاهش یافت و درآمدهای بیشتری مشمول نرخ‌های پایین‌تر شدند. این تسهیلات مالیاتی، با فرض ثبات سایر عوامل، لزوماً به بدتر شدن نابرابری درآمد منجر نمی‌شود. اگرچه نرخ مالیات مستقیم به غیرمستقیم از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ حدود ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده، با توجه به افزایش‌های مشاهده شده در نابرابری درآمد در ۱۹۹۰، نه این اصلاحات مالیاتی اوایل این دهه و نه این اصلاحات افزایش در نابرابری درآمد را معکوس کرده است.^{۳۰}

به نظر نمی‌رسد مخارج اجتماعی بر نابرابری توزیع درآمد تأثیری گذاشته باشد. گرچه میزان ورود به مقطع متوسطه، به طور قابل توجهی افزایش یافته است. مخارج دولت بر برنامه‌های انتقالی (چه بر حسب نوع و چه میزان پرداخت) همانند برنامه‌های ایجاد اشتغال، سهم کوچکی از مخارج اجتماعی دولت (حدوداً

۱/۶ درصد طی دوره ۹۵-۱۹۹۰) را تشکیل می‌دهند و برنامه‌ها در جهت مناطق با فقر و نادرآمدی بالا، خوب هدف‌گذاری نشده‌اند. به‌رغم افزایش نابرابری در درآمد، مخارج دولت بر آموزش و بهداشت، در دو دهه گذشته، تغییرات ملایمی داشته‌اند. این مخارج به‌ترتیب حدود ۱۹ و ۷ درصد کل مخارج دولت بوده‌اند. مطالعه مفیدی در زمینه آثار برنامه پرداخت‌های انتقالی دولت یا مخارج اجتماعی وجود ندارد که به‌وسیله آن بتوان به تحلیل آثار این مخارج پرداخت.

۴. خلاصه و نتیجه‌گیری

داده‌های موجود نشان داد که پیش از آثار توزیعی مجدد مالیات‌ها و برنامه‌های انتقالی، به‌طور متوسط، نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه کمتر از کشورهای صنعتی است. به هر حال، گرچه کشورهای صنعتی توزیع درآمد را به‌طور مؤثری از طریق مالیات‌ها و برنامه‌های انتقالی بهبود می‌بخشند، در مقایسه با کشورهای صنعتی، کشورهای در حال توسعه به اندازه کافی برنامه‌هایی برای بهبود نابرابری درآمد بعد از مالیات، بعد از پرداخت‌های انتقالی ندارند.

● براساس داده‌های منتشر شده به‌وسیله دیننگر و اسکوایر (۱۹۹۶)، که به‌طور وسیعی قابل مقایسه بین مناطق و کشورها هستند، ضریب جینی قبل از مالیات (اما بعد از پرداخت‌های انتقالی) برای کشورهای در حال توسعه (و در حال‌گذار) به‌طور متوسط کمتر از ضریب جینی «درآمد بازار» منتشر شده توسط OECD برای کشورهای صنعتی است. در دهه ۱۹۹۰، ضریب جینی برای کشورهای در حال توسعه به‌طور متوسط ۳۸ درصد و برای کشورهای صنعتی ۴۴ درصد بود.

● برای ارزیابی تأثیر مالیات و برنامه‌های انتقالی داده‌های کافی وجود ندارد. شواهد نشان می‌دهد مالیات‌ها و برنامه‌های انتقالی در کشورهای در حال توسعه و در حال‌گذار به اندازه کشورهای صنعتی کارا نیستند. ضریب جینی قبل از مالیات و بعد از مالیات برای دو گروه از کشورهای در حال توسعه به ترتیب ۳۸ و ۴۴ درصد است. برای کشورهای در حال‌گذاری که داده‌های آنها در دسترس است تفاوت، بین دو ضریب جینی، بیش از ۴ درصد نیست.

● براساس مطالعات موجود بر روی تأثیر مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی، از این‌که تأثیر آنها بر توزیع مجدد درآمد به اندازه کشورهای صنعتی باشد، حمایت نمی‌شود (نگاه کنید به ادامه مطلب).

مطالعات تأثیر مالیات‌ها نشان می‌دهد که آثار توزیع مجدد آنها در کشورهای در حال توسعه (و در حال‌گذار) جزئی است.

- در کشورهای در حال توسعه، ساختار مالیاتی به گونه‌ای است که در آن مالیات‌های غیرمستقیم و مالیات بر ثروت و سرمایه محدود است. به‌طور معمول، ضعف مدیریت مالیاتی در آن‌ها فرار را افزایش می‌دهد. آن‌ها تنها به پرداخت‌های انتقالی نقدی و برنامه‌های معمول حمایت اجتماعی محدودند. این مشخصه‌ها توانایی مالیات‌ها (و پرداخت‌های انتقالی) در توزیع مجدد درآمدها را دچار ابهام می‌کنند. سقوط و ضعف دولت‌ها نیز کارایی مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی را به‌عنوان ابزار توزیع مجدد محدود می‌کنند.
- تنها ۱۳ مورد از کل ۳۶ سیستم مالیاتی مطالعه شده تصاعدی بودند، بقیه یا تناسبی یا نزولی بودند و در طی زمان، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، صعودی بودن کاهش یافته است.
- به این نکته باید توجه شود که اگرچه در این مطالعه تنها ۱۳ سیستم مالیاتی تصاعدی پیدا شد، به‌طور اخص اغلب مالیات‌های درآمد صعودی بودند.

معمولاً آموزش، بهداشت و برنامه‌های انتقالی در کشورهای در حال توسعه، دارای آثار فزاینده‌اند، اما بسیاری از آن‌ها خوب هدف‌گذاری نمی‌شدند.

- تمام برنامه‌های آموزش ابتدایی و متوسطه، اما تنها نیمی از برنامه‌های آموزش عالی، دارای آثار فزاینده بودند. به‌هر صورت، هدف‌گذاری آن‌ها کارایی کمتری دارد. علی‌رغم آن‌که تمامی برنامه‌های بهداشتی فزاینده بودند، تنها نیمی از آن‌ها خوب هدف‌گذاری شده‌اند.

- در حالی که ۱۴ مورد از ۱۵ برنامه انتقالی فزاینده بودند، ۹ مورد از آن‌ها خوب هدف‌گذاری شده بودند.

- ارزیابی آثار برنامه‌های مخارج دولت آسان نیست، چون بررسی کارایی آن‌ها بسیار سخت است. مخارج دولت بر برنامه‌های آموزشی ابتدایی، به‌جای آن‌که براساس انتقال منافع به دانش‌آموزان باشد، براساس پرداخت نقدی به معلمان است.

در دهه‌های اخیر، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، افزایش در نابرابری درآمد را بر هر دو معیار قبل از مالیات و بعد از مالیات، تجربه کرده‌اند.

- تجربیات دهه‌های ۸۰-۱۹۷۰، قدری یا تجربه دهه‌های ۹۰-۱۹۸۰ متفاوت است. از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۸۰، ضریب جینی براساس یک نمونه محدود از کشورهای در حال توسعه، به‌طور متوسط تغییر نکرده است. اما برخی موارد در کشورهای صنعتی، ضریب جینی به‌طور معناداری افزایش یا کاهش یافته است.

● از دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۱۹۹۰، براساس داده‌های یک نمونه محدود از کشورهای در حال توسعه و در حال‌گذار، ضریب جینی اغلب کشورها، به‌خصوص در برخی موارد، افزایش یافته است. سیاست‌های مالیاتی و پرداخت‌های انتقالی در اقتصادهای در حال توسعه و در حال‌گذار به اندازه کافی در محدود کردن افزایش ضریب جینی بعد از مالیات و بعد از پرداخت‌های انتقالی کارا هستند.

● کشورهای صنعتی، همچنین افزایش بزرگی در ضریب جینی درآمد بازار را تجربه کرده‌اند. به هر حال، نسبت به کشورهای در حال توسعه و در حال‌گذار، کشورهای صنعتی از مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی به‌طور موفقی در محدود کردن افزایش ضریب جینی درآمد قابل تصرف استفاده کرده‌اند.^{۳۱}

● علی‌رغم آن‌که ممکن است عوامل جهانی و وضعیت خاص کشوری، در افزایش نابرابری درآمد دخیل باشد، روشن است که سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی صحیح به وضعیت توزیع درآمد کمک می‌کنند، یا از بدتر شدن آن جلوگیری می‌کنند و یا آن را بهبود نمی‌بخشند.

● عوامل احتمالی مسبب این تغییرات، تأثیر باز شدن اقتصاد کشورهای در حال توسعه کم درآمد بر کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط و تغییر در هنجارهای اجتماعی است. باز شدن اقتصاد کشورهای در حال توسعه کم درآمد، ممکن است بر دستمزد کارگران فاقد مهارت در کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط اثر معکوس گذاشته باشد.

● کشورهایی که سیاست‌های ساختاری و کلان اقتصادی، شامل سیاست‌های اجتماعی، را به‌طور صحیح به کار برده‌اند، به‌رغم آن‌که اهداف عدالتی را در اصلاحات مالیاتی‌شان محدود کرده‌اند، توزیع درآمدشان را بهبود بخشیده‌اند. برای مثال، برخی کشورها (مانند جامائیکا، اندونزی) به‌رغم آن‌که در اصلاحات مالیاتی خود وجه عدالت را محدود کرده‌اند، توزیع درآمدشان را بهبود بخشیده‌اند. همچنین، تجربه ۱۲ کشور عضو OECD در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، حاکی از اثر محدود باز توزیعی مالیات‌های مشخص است. برای مثال، مطالعات کشورهای صنعتی نشان می‌دهد که شواهدی مبنی بر همراهی مثبت بین فزاینده بودن مالیات بر درآمد شخصی از یک طرف و تفاوت بین ضریب جینی قبل و بعد از مالیات وجود ندارد.^{۳۲}

● استفاده از مالیات‌ها به‌عنوان ابزار باز توزیع، مقوله جالبی است که نیاز به بررسی عمیق‌تر دارد. یافته‌های موجود حاکی از آثار تصاعدی مالیات بر درآمد است. آیا کشورهای در حال توسعه، برای تشویق توسعه باید این مالیات‌ها را افزایش دهند؟ یا کشورهای در حال توسعه باید درآمد مالیاتی خود را افزایش دهند و این درآمد را در برنامه‌های اجتماعی خوب هدف‌گذاری شده، به کار گیرند. جواب به این سؤال بدون در نظر گرفتن شرایط خاص کشورها مانند سیستم و مدیریت مالیاتی‌شان، مشکل است. کشورهایی که با حدی

از تصاعدی کردن، بدون آن‌که بر تلاش کاری کارگران اثر مخرب بگذارد، ظرفیت افزایش درآمد مالیاتی را دارند و باید به غنی‌تر کردن سیاست‌های ابزارهای باز توزیع اجتماعی‌شان بپردازند. به هر حال، برآورد اقتصاد سنجی معادلات جینی نشان می‌دهد که این اثر ممکن است کوچک باشد. اگر در مقایسه با سیستم مالیاتی خشتی، فزاینده بودن سیستم مالیاتی با هزینه درآمد حاصل شود، منافع باز توزیع مالیات‌ها می‌تواند از طریق فرصت‌های به‌کارگیری سیاست‌های مخارجی فزاینده جبران شود.

پی‌نویس‌ها

* این مطلب ترجمه‌ای است از:

Ke-Young Chu, Hamid Davoodi, & Sanjeer Gupta, "Income Distribution and Tax and Government Spending Policies in Developing Countries", March 2000, IMF, WP/00/62.

۱. آلیسینا (۱۹۹۹) به بحث درباره نقش ضعف دولتی و پایین بودن نسبت مالیات به محصول ناخالص داخلی و فرار مالیاتی می‌پردازد.

۲. نگاه‌کنید به تانزی (۱۹۹۸)، او به این نکات و دیگر مشکلات عملی فراروی مدیریت یک سیستم مالیاتی فزاینده در کشورهای در حال توسعه اشاره می‌کند.

۳. دینینگر و اسکوایر (۱۹۹۶).

۴. سهم فقیرترین دهک درآمدی در کشورهای گروه "b" بین ۴ و ۱۱ درصد و در کشورهای گروه "a" بین ۵ و ۹ درصد است. نسبت سهم درآمد ثروتمندترین به فقیرترین دهک برای کشورهای اول بین ۳ و ۱۶ برای کشورهای دوم بین ۴ و ۱۰ درصد است. معمولاً ضریب جینی در کشورهای در حال‌گذار کم است (به‌طور مثال، چکسلواکی، رومانی، یوگسلاوی، مجارستان و بلغارستان).

۵. معیار جینی نابرابری درآمد گزارش شده در حساب‌های OECD (۱۹۹۹) برای صرفه‌جویی‌های حاصل از مقیاس مصرف خانوارها است. در حالی‌که معیار دینینگر و اسکوایر (۱۹۹۶) این‌طور نیست. آمارهای OECD درآمد ناشی از سرمایه و درآمد ناشی از -نود اشتغالی اشخاص را می‌تواند بهتر از داده‌های دینینگر و اسکوایر به‌کارگیرد.

۶. هر مطالعه‌ای در زمینه آثار مالیاتی با مشکلاتی شامل نحوه پوشش درآمدها و مالیات‌ها، چگونگی

فرض‌ها درباره انتقال بار مالیاتی و ردیف‌های آن، برآورد توزیع درآمد قبل از مالیات، واکنش رفتاری افراد و افق زمانی تحلیل، مواجهه است. این مسائل، مقایسه آثار مالیاتی بین کشوری و حتی بین بخشی درون یک کشور را مشکل می‌کند و حتی بیشتر، موقعی که در کشوری یک اصلاح بزرگ مالیاتی انجام می‌گیرد، وظیفه دستیابی یک بنگاه به اهدافش با توجه به آثار مالیاتی مشکل می‌شود.

۷. این نتایج بر اساس مقادیر محاسبه شده (و بررسی دیداری) از معدل نرخ‌های متوسط مالیات گروه‌های درآمدی گزارش شده در مطالعات و ملاحظات مربوط به انحراف از نسبت‌ها، است.

۸. این نتیجه‌گیری‌ها براساس مطالعات متکی بر تحلیل‌های استاندارد آثار مالیاتی با در نظر گرفتن فرض‌های انتقال‌اندک که تعیین‌کننده نتایج آن‌ها هستند. به‌طور نوعی، مالیات بر درآمد اشخاص و مالیات حقوق را دریافت‌کننده درآمد متحمل می‌شود. در حالی که مالیات‌های غیرمستقیم به مصرف‌کنندگان کالا منتقل می‌شود. آثار مالیات بر شرکت‌ها مورد مجادله است. در یک مطالعه پیشین، والی (۱۹۸۴) نشان می‌دهد که یک سیستم مالیاتی، با تغییر فرض‌های انتقالی، چطور می‌تواند شدیداً نزولی باشد.

۹. به‌طور مثال، در چهار کشور افریقایی، مالیات بر ارزش افزوده آثار تصاعدی دارد (سان و یانگر، ۱۹۹۸). سان و یانگر (۱۹۹۸)، توضیحی برای این امر غیرمعمول نداده‌اند. نگاه کنید به برد و دیمیلر، ۱۹۸۶، سری‌ناسان (۱۹۸۹)، و شاه و والی (۱۹۹۱ و ۱۹۹۰).

۱۰. این بخش از مطالعه داوودی و ساجیپانین (بعدها منتشر می‌شود) گرفته شده است.

۱۱. سه روش برای اندازه‌گیری آثار مخارج عمومی وجود دارد. ارزیابی افراد از کالاهای عمومی، تحلیل آثار مخارج و تحلیل منافع مخارج، روش اول ملزم به استخراج قیمت‌هایی است که افراد حاضرند برای کالاهای عمومی بپردازند. (آرون و مک گوایر، ۱۹۷۰). این امر به دلیل مشکلات شناخته شده همراه با فراهم‌سازی کالاهای عمومی، امری مربوط به تقاضا است (به‌طور مثال، سواری مجانی، عدم رقابت). دو روش دیگر می‌کوشند تا از طریق اعمال فرض‌هایی درباره متفع‌شوندگان "نهایی" از کالاها و خدمات عمومی بر این مشکلات فائق شوند. همچنین، در تحلیل آثار مالیاتی، متفع‌شوندگان "نهایی" مخارج دولت مشکلی است که به مشکل تشخیص بار مالیاتی اضافه می‌شود. چرا که متفع‌شوندگان از مخارج دولت می‌توانند درست به اندازه بار مالیاتی انتقال یابند.

۱۲. برای مثال، همان‌گونه که تانزی در مورد کشورهای امریکای لاتین اشاره می‌کند، "... منافع آن‌ها هرگز تخصیص نمی‌یابد. آنچه تخصیص می‌یابد، هزینه است. اما هزینه‌ها تشخیص درستی از منافع به دست نمی‌دهند و این حقیقت که دو بجه‌ای که هزینه یکسانی برای‌شان صرف می‌شود، چیزی درباره منافع که از

سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت ... ۱۴۰

آن آموزش می‌گیرند، نمی‌گویند ... یک بچه از طبقه متوسط روستا به احتمال زیاد منافع بیشتری از یک بچه شهری هم طبقه، از همان مخارج آموزشی به دست می‌آورد."

۱۳. این تعاریف در میان دیگران، سلدن و واسیلنکو (۱۹۹۲)؛ کاسترو، سیلی، ریتون، دمیری و مهرا (۱۹۹۹)، استفاده شده‌اند.

۱۴. برای سهولت تحلیل، فرض شده که فقرا در پایین‌ترین دهک و ثروتمندان در بالاترین دهک قرار دارند.

۱۵. به خاصیت مجانبی در تعریف مالیات تصاعدی توجه داشته باشید.

۱۶. این الگو بدون توجه به این‌که آیا منافع به صورت درصدی از درآمد یا مخارج است، به دست آمده است.

۱۷. پوشش کشورهای خاورمیانه خیلی کم است، به طوری‌که تانزانیا تنها کشور دارای آمار در این منطقه است.

۱۸. با استفاده از آخرین داده‌های اثر برای هر کشور، تغییرات منافع تأثیر به صورت تغییرات نسبت $Q1$ به $Q2$ اندازه‌گیری می‌شود که $Q1$ و $Q2$ قبلاً تعریف شده‌اند. در مقوله آموزش کشورهای بیشتری از مخارج تحصیلات ابتدائی و اولیه دولت وضع‌شان بهتر شده تا بدتر، اما در مخارج دولت در زمینه تحصیلات متوسطه، به همان اندازه که کشورهای وضع‌شان بهتر شده، کشورهایی هستند که وضع‌شان بدتر شده است.

۱۹. برخلاف تحصیلات که سه زیر مقوله تعریف شده دارد، مخارج بهداشتی به مقولات متعددی تقسیم می‌شود. یافته‌های این تحقیق براساس الگوی طبقه‌بندی بهداشت است که در اغلب کشورها به کار می‌رود.

۲۰. این الگو بدون توجه به این‌که آیا منافع به صورت درصدی از درآمد یا مخارج است، به دست آمده است.

۲۱. به طور متوسط، مخارج صرف شده در مقوله‌های فرعی بهداشت، همگی به جز مخارج ترخیص بیمار از بیمارستان، خوب هدف‌گذاری شده‌اند. کشورهای جنوب صحرای افریقا و کشورهای در حال‌گذار تنها مناطقی هستند که در آن‌ها هدف‌گذاری مقولات فرعی بهداشت ضعیف است. بنابراین، روند مشاهده شده نمایی از سطح کل مخارج بهداشتی است.

۲۲. گرچه معمولاً تغییرات ضرایب جینی با تغییرات نسبت دهک‌ها سازگار است. در تفسیر نتایج برخی کشورها باید جانب احتیاط رعایت شود. برای مثال، ترینیداد و توباگو و ترکیه که توزیع درآمدشان بهبود یافته، تنها سه کشور مورد مطالعه طی دوره ۸۰-۱۹۷۰ بودند. ضریب جینی قبل از مالیات در ترینیداد و

توباگو ۵۱ درصد، به‌طور غیرمعمولی در ۱۹۷۱، در مقایسه با ۱۹۵۹، ۱۹۷۶ و ۱۹۸۱ که تغییرات آن بین ۴۲ و ۴۶ درصد بوده است، بالا بود. ضریب جینی قبل از مالیات در ترکیه از ۵۶ درصد در ۱۹۶۸، به ۵۱ درصد در ۱۹۷۳ و به ۴۴ درصد در ۱۹۸۶ کاهش یافت، این امر با افزایش سهم درآمد دهک‌های فقیر از ۳ درصد در ۱۹۶۸ به ۴ درصد در ۱۹۷۳ و ۵ درصد در ۱۹۸۶ متناظر بود.

۲۳. ترینیداد و توباگو و ترکیه، دو کشوری که هر کدام ضریب جینی را ۷ درصد کاهش داده‌اند و به بهبود توزیع درآمد از طریق کاهش سهم درآمد فقیرترین و ثروتمندترین دهک‌ها دست یافته‌اند، این کاهش دومی کمتر از اولی بوده است. در میان کشورهایی که توزیع درآمدشان بدتر شده، تایلند (کشوری با رشد بالا) و گواتمالا (کشوری با رشد پایین) به یک افزایش بزرگ در سهم درآمد ثروتمندترین دهک توأم با کاهش سهم فقیرترین دهک دست یافته‌اند.

۲۴. برآورد براساس داده‌های معرفی شده میانگن دهه‌ها، فرضیه تأثیر تورم بر توزیع درآمد را حمایت نمی‌کند. این نتایج با آن‌ها که از رگرسیون سالانه یا فصلی که اغلب مبتنی بر تأثیر معنادار تورم بر توزیع درآمد است، فرق می‌کند. ممکن است نتیجه اختلاف ممکن این باشد که در حالی که تورم در کوتاه‌مدت در توزیع درآمد مؤثر است، در دهه‌ها تأثیر معناداری بر توزیع درآمد ندارد. متغیر مجازی نرخ تورم در معادله (۱-۲)، در جایی که تورم سالانه بیش از ۱۰ درصد است و در بقیه جاها در نظر گرفته شده است. آستانه تورم نتایج را به‌طور معنادار تغییر نمی‌دهد.

۲۵. فرض کنید که (۲) نرخ مالیات‌های مستقیم به غیرمستقیم از طریق افزایش d (نرخ مالیات‌های مستقیم به محصول ناخالص داخلی) از $۵/۴$ به $۶/۶$ درصد (و ثابت ماندن نرخ مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم به تولید ناخالص داخلی، با کاهش نرخ مالیات‌های غیرمستقیم به محصول ناخالص داخلی از $۶/۷$ درصد $۵/۵$ درصد)، از ۸۰ درصد به ۱۰۰ درصد افزایش یابد. براساس معادله (A-۱) تأثیر این تغییرات بر ضریب جینی $۰/۷۵ = (۱/۲۰۸۰ + ۵/۴) + ۰/۰۰۰۸ (۵/۴) - ۰/۰۲۵(۴۰)$ برآورد می‌شود.

۲۶. اتکینسون (۱۹۹۹)، مباحث مربوط به افزایش نابرابری در کشورهای صنعتی.

۲۷. نگاه کنید به بحث فری من (۱۹۹۵) مربوط به اثر باز شدن کشورهای کم درآمد به روی کارگران فاقد مهارت در کشورهای صنعتی و بحث‌های تانزی (۱۹۹۸) و اتکینسون (۱۹۹۹) مربوط به اثر تغییر در هنجارهای اجتماعی بر توزیع درآمد.

۲۸. مطالعات انجام شده بر نابرابری درآمد خانوارها در تایلند نشان می‌دهد که افزایش نابرابری طی سه دهه گذشته عمدتاً مربوط به عوامل ساختاری از قبیل سطح تحصیلات (خصوصاً تحصیلات متوسطه)، محل

سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت ... ۱۴۲

اقامت خانوارها (برای مثال نواحی شهری / روستایی) و مشخصه‌های اشتغال خانوارها (برای مثال، بنگاهدار، کارگر مزرعه) است. نگاه کنید به آهوجا، پیدانی، فریرا و والتون (۱۹۹۷).

۲۹. شنآوری مالیات بر درآمد شخصی از ۲/۷ در دهه ۱۹۷۰ به ۲/۲ در دهه ۱۹۸۰ کاهش یافت (وار و نیدهپ رابا، ۱۹۹۶).

۳۰. البته آزمون‌های شبه واقعی همیشه توضیح معتبری هستند. به عبارت دیگر، افزایش نابرابری درآمد، با آن‌که سیستم مالیاتی همانند دهه ۱۹۸۰ بوده، بیشتر شده است.

۳۱. نتایج این توزیع مجدد در بهبود شاخص‌های اجتماعی مقوله‌ای جداگانه است. نگاه کنید به بحث تانزی و شونک‌نخت (۱۹۹۷) در این باره چطور یک افزایش بزرگ در برنامه‌های انتقالی کشورهای صنعتی در دهه‌های اخیر، اثر محدودی بر شاخص‌های اجتماعی‌شان داشته است.

۳۲. نگاه کنید به واگاستاف و دیگران (۱۹۹۹). ضریب جینی قبل از مالیات و بعد از مالیات، تنها براساس مالیات بر درآمد شخصی است.

مآخذ

Achdut, Lea, 1996, "Income Inequality, Income Composition, Macroeconomic Trends: Israel, 1979-93," *Economica*, Vol. 63, Supplement, pp. S1-27.

Aggarwal, Pawan K., 1990, "An Empirical Analysis of the Redistributive Impact of the Personal Income Tax: A Case Study of India," *Public Finance*, Vol. 45, pp. 177-92.

_____, 1991, "A New Global Measure of Progressivity," National Institute of Public Finance and Policy Working Paper No. 6/91 (New Delhi: NIPFP).

_____, 1994, "A Local Distribution Measure of Tax Progressivity," *Public Finance*, Vol. 49, pp. 1-11.

Ahuja, Vinod, Benu Bidani, Francisco Ferreira and Michael Walton, 1997, *Everyone's Miracle? Rising Poverty and Inequality in East Asia* (Washington D.C., World Bank).

Alm, James, Roy Bahl, and Matthew N. Murray, 1991, "Tax Base Erosion in

Developing Countries," *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 39, No. 4 (July), pp. 849-872.

Andic, Fuat M., and Aris Bin Othman, 1974, "The Impact of the Tax System on The Poor: With Special Reference to Rural Poor: Draft Report" (mimeograph).

Aninat, Eduardo, Andreas Bauer, and Kevin Cowan, 1999, "Addressing Equity Issues in Policymaking: Lessons from the Chilean Experience," in *Economic Policy and Equity*, ed. by Vito Tanzi, Ke-young Chu, and Sanjeev Gupta (Washington: International Monetary Fund).

Alesina, Alberto, 1999, "Too Large and Too Small Governments," in eds. Vito Tanzi, Ke-young Chu and Sanjeev Gupta, *Economic Policy and Equity*, (Washington: International Monetary Fund).

Atkinson, A. B., 1999, "Equity Issues in a Globalizing World: The Experience, of OECD Countries," in *Economic Policy and Equity* eds. Vito Tanzi Ke-young Chu, and Sanjeev Gupta (Washington: International Monetary Fund).

Bahl, Roy, Jorge Martinez - Vazquez, and Sally Wallace, 1996, *The Guatemalan Tax Reform* (Boulder: Westview Press).

Berry, R. Albert, and Ronald Soligo, eds., 1980, *Economic Policy and Income Distribution in Colombia* (Boulder: Westview Press).

Bird, Richard M., and Barbara Diane Miller, 1989, "The Incidence of Indirect Taxes on Low- Income Households in Jamaica," *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 37 (January), pp. 393-409.

—, and L. De Wulf, 1973, "Taxation and Income Distribution in Latin America: A Critical Review of Empirical Studies," *Staff Papers, International Monetary Fund*, Vol. 20, No. 3, pp. 639-682.

Bolkowiak, Izabel, and others, 1996, "Tax Burden on Gross Income of

- Households," Institute of Finance Working Paper No. 49 (Warsaw: Institute of Finance).
- Bovenberg, Lans A., 1987, "Indirect Taxation in Developing Countries: A General Equilibrium Approach," *Staff Papers*, Vol.34,2, pp. 333-373.
- Chia, Ngee-Choon, Sadek Wahba, and John Whalley, 1992, *Tax Incidence Analysis in Developing Countries: The Case of Cote d' Ivoire* (Washington: World Bank).
- Choi, Kwang, 1997, "Tax Policy Reforms in Korea," in *Tax Reform in Developing Countries*, ed. by Wayne Thirsk (Washington: World Bank).
- Chowdhury, Nuimuddin, 1988, "Income Tax Incidence in Bangladesh, 1980-84," *Bangladesh Development Studies*, Vol. 16 (September), pp. 81-97.
- Chowdhury, Osman H., 1991, "Revenue Neutral Value- Added Tax in Bangladesh: Some General Equilibrium Illustrations," *Bangladesh Development Studies*, Vol. 19, No. 4, pp. 49-63.
- Clarete, Ramon, L., 1991, "A General Equilibrium Analysis of the Tax Burden and Institutional Distortions in the Philippines," in *Tax Policy in Developing Countries: A World Bank Symposium*, ed. by Javad Khalilzadeh - Shirazi and Anwar Shah (Washington: World Bank).
- Davoodi, Hamid R. and Swaitree Sachjapinan, 1999, "How Useful are Benefit Incidence Studies," *Forthcoming*, IMF Working Paper. (Washington: International Monetary Fund).
- Devarajan, Shantayana and Shaikh Hossain, 1998, "The Combined Incidence of Taxes and Public Expenditures in the Philippines," *World Development*, Vol. 26, pp. 963-977.
- Deiningner, Klaus and Lyn Squire, 1996, "A New Data Set For Measuring Income Inequality," *World Bank Economic Review*, 10, pp. 565-592.

- De Wulf, Luc, 1975, "Fiscal Incidence in Developing Countries: Survey and Critique," *Staff Papers*, International Monetary Fund, Vol. 22, No. 1, pp. 61-131.
- Dublin, Keith Gordon Newton, 1979, "An Estimation of Tax Incidence in Guyana," (Ph.D.dissertation; Urbana-Campaign: University of Illinois).
- Edirisinghe, Neville, 1987, *The Food Stamp Scheme in Sri Lanka: Costs, Benefits, and Options for Modification*, Research Report No. 58 (Washington: International Food Policy Research Institute).
- El-Edel, M. Reda A., 1979, "Impact of Taxation on Income Distribution: An Exploratory Attempt to Estimate Tax Incidence in Egypt," Princeton-Egypt Income Distribution Project Conference Paper.
- Engel, Eduardo M.R.A., Alexander Galetovic, and Claudio E. Raddatz, 1998, "Taxation and Income Distribution in Chile: Some Unpleasant Redistributive Arithmetic," NBER Working Paper No. 6828 (Cambridge, Massachusetts: National Bureau of Economic Research).
- Escobal, Javier, and others, 1993, "Public Administration and Income Distribution in Peru," in *Government Spending and Income Distribution in Latin America*, ed. by Ricardo Hausmann and Roberto Rigobon (Washington: Inter-American Development Bank).
- Foxley, Alejandro, 1979, *Redistributive Effects of Government Programs: The Chilean Case* (Oxford: Pergamon Press).
- Freeman, Richard B., 1995, "Are Your Wages Set in Beijing," *Journal of Economic Perspectives* (Summer 1995).
- Galper, Harvey, and Fernando Ramos, 1992, "The Incidence of Guatemalan Tax," Technical Memorandum No. 32 (Atlanta: Georgia State University), cited in *The Guatemalan Tax Reform, 1986*, ed. by Dahl, Roy, Jorge Martinez-

Vazquez, and Sally Wallace (Boulder: Westview Press).

Gillespie, Irwin W., 1965, "Public Expenditures and Income Distribution," in *Essays in Fiscal Federalism*, ed. by Richard A. Musgrave (Washington: The Brookings Institute).

Gillis, Malcolm, and Charles E. McLure, Jr., 1978, "Taxation and Income Distribution: The Colombian Tax Reform of 1974," *Journal of Development Economics*, Vol. 5, pp. 233-58.

Gil-Diaz, Francisco, 1982, "The Incidence of Taxes in Mexico, A Before and After Comparison" (mimeograph).

Grosh, Margaret, 1994, *Administering Targeted Social Programs in Latin America: From Platitudes to Practice* (Washington: World Bank).

Hammer, Jeffrey S., Ijaz Nabi, and James A. Cercone, 1995, "Distributional Effects of Social Sector Expenditures in Malaysia, 1974-89," in *Public Spending and The Poor: Theory and Evidence*, ed. by Dominique Van de Walle and Kimberly Nead (Baltimore: Johns Hopkins University Press).

Handa, Sudhanshu, and Domien King, 1997, "Structural Adjustment Policies, Income Distribution and Poverty: A review of the Jamaican Experience," *World Development*, Vol. 25, No. 6, pp. 915-930.

Heller, Peter S., 1981, "Testing the Impact of Value-Added and Global Income Tax Reforms on Korean Tax Incidence in 1976: An Input-Output and Sensitivity Analysis," *Staff Papers*, International Monetary Fund, Vol. 28 (June), pp. 375-410.

Harberger, Arnold C., 1998, "Monetary and Fiscal Policy for Equitable Economic Growth," in eds. Vito Tanzi and Ke-Young Chu, *Income Distribution and High - Quality Growth*, The MIT Press, Cambridge, England.

Hassan, Fared M.A., and Zeljko Bogetic, 1996, "Effects of Personal Income

Tax on Income Distribution: Example from Bulgaria," *Contemporary Economic Policy*, Vol. 14 (October), pp. 17-28.

Hicks, Normanl., and Haeduck Lee, 1997,"The Impact of Fiscal Policies on the Poor in Guatemala," *Journal of Public Budgeting Accounting, and Financial Management*, Vol. 9(Fall), pp. 501-15.

Holthus, Manfred, and Rasul Shams, 1994, "Tax Reforms and Equity in ACP Countries," *Intereconomics: Review of International Trade and Development*, Vol. 29 (September / October), pp. 239-243.

Huang, Yukon, 1976," Distribution of the Tax Burden in Tanzania," *Economic Journal*, Vol. 86(March), pp. 73-86.

Hubbard, Glen, 1995," Distribution Tables and Tax Policy," in *Distributional Analysis of Tax Policy*, ed. David F. Bradford.(Washington: AEI Press).

Jarvis, Sarah, and Stephen Pudney, 1995, "Redistributive Policy in a Transition Economy: The Case of Hungary," CEPR Discussion Paper No. 1117 (London: Centre for Economic Policy Research).

Jha, Shikha, and P.V.Srinivasan, 1989," Indirect Taxes in India: An Incidence Analysis," *Economic and Political Weekly*, Vol. 24(April), pp. 811-30.

Kakwani, Nanak, 1996," Income Inequality, Welfare and Poverty in Ukraine," University of New South Wales School of Economics Discussion Paper No. 94. (Australia: University of New South Wales).

Kattuman, Paul, and Gerry Redmond, 1997," Income Inequality in Hungary, 1987-1993," University of Cambridge Department of Applied Economics DAE Working Paper No. 9726 (U.K: University of Cambridge).

Kibuka, Robin D., 1977," Income Distribution and Fiscal Incidence in Uganda, 1961-1970: A Thesis,"(Ph.D. dissertation; Cambridge, Massachusetts: Harvard University).

Leipziger, Danny M., and others, 1992, "The Distribution of Income and Wealth in Korea," EDI Development Studies (Washington: World Bank).

Mclure, Charles, E., 1977, "Taxation and the Urban Poor in Developing Countries," *World Development*, Vol. 5, No. 3, pp. 169-188.

—, 1974, "On the Theory and Methodology of Estimating Benefit and Expenditure Incidence," *Program of Development Studies* (William Marsh Rice University).

Malik, Muhamad Hossain, and Najam us Saqib, 1989, "Tax Incidence by Income Classes in Pakistan," *The Pakistan Development Review*, Vol. 28 (Spring), pp. 13-26.

Milanovic, Branko, 1995, "Impact of Cash and In-Kind Transfers in Eastern Europe and Russia," in *Public Spending and the Poor*, ed. by Dominique van de Walle and Kimberly Nead (Baltimore: Johns Hopkins University Press).

Milanovic, Branko, 1994, "Cash Social Transfers, Direct Taxes, and Income Distribution in Late Socialism," *Journal of Comparative Economics*, Vol. 18 (April), pp. 175-197.

Murty, M.N., 1989, *Redistributive Taxation and Public Sector Pricing: Some Theoretical Issues and The Indian Experience* (New Delhi: commonwealth Publishers).

Mwega, F.M., 1986, "Incidence of Taxes and Transfers in Kenya: A General Equilibrium Analysis," *Eastern African Economics Review*, Vol. 2 (June), pp. 6-13.

Newberry, David M.G., and Tamasz Revesz, 1997, "The Burden and Disincentive Effects of Hungarian Personal Taxes, 1988-96," CEPR Discussion Paper No. 1570 (London: Centre for Economics Policy Research).

Sahn, David, and Stephen Younger, 1998, "Poverty and Fiscal Policy: Microeconomic Evidence." (mimeograph; Cornell University).

Santana, Isidoro, and Magdalena Rathe, 1993, "The Distributive Impact of Fiscal Policy in the Dominican Republic," in *Government Spending and Income Distribution in Latin America*, ed. by Ricardo Hausmann and Roberto Rigobon (Washington: Inter-American Development Bank).

Selden, Thomas M., and Michael J. Wasylenko, 1992, "Benefit Incidence Analysis in Developing Countries," World Bank Policy Research Working Paper No. 1015 (Washington: World Bank).

Shah, Anwar, and John Whalley, 1990, "An Alternative View of Tax Incidence Analysis for Developing Countries," PRE Working Paper No. 462 (Washington: World Bank).

—, 1990, "An Alternative View of Tax Incidence Analysis for Developing Countries," PRE Working Paper No. 462 (Washington: World Bank).

Shome, Parthasarathi, 1995, *Tax Policy Hand book*. (Washington: International Monetary Fund)

Sjoquist, David L., and David Green, 1992, "Distribution of Tax Burdens," Jamaica Tax Review Project, Report No.3 (Atlanta: Georgia State University), Cited in Bahl, Roy, 1997, "The Jamaican Tax Reform: Its Design and Performance," in *Tax Reform in Developing Countries*, ed. by Wayne Thirsk (Washington: World Bank).

Tanzi, Vito, 1974, "Redistributing Income Through the Budget in Latin America", *Banco Nazionale del Lavoro Quarterly Review*, Vol.27 (March), No. 108, pp. 65-87.

—, 1998, "Fundamental Determinants of Inequality and the Role of Government," IMF Working Paper 98/178 (Washington: International Monetary Fund).

—, Ke-young chu, and Sanjeev Gupta, 1999, *Economic Policy and Equity*.

(Washington: International Monetary Fund).

Tanzi, Vito, and Ke-young chu, 1998, *Income Distribution and High- Quality Growth*. MIT press.

Tanzi, Vito, and Ludger Schuknecht, 1997, 'Reconsidering the Fiscal Role of Government: The International Experience,' *American Economic Review*, 87, 2, pp. 164-168.

Tanzi, Vito, and Parthasarathi Shome, 1992, "The Role of Taxation in the Development of East Asian Economies, "in Takatoshi Ito and Anne O. Krueger, *The Political Economy of Tax Reform*, The University of Chicago Press (Chicago and London).

Thirsk, Wayne, 1997, "Overview: The Substance and Process of Tax Reform in Eight Developing Countries," in *Tax Reform in Developing Countries*, ed. by Wayne Thirsk (Washington: World Bank).

Thirsk, Wayan, 1997, "Overview: The Substance and Process of Tax Reform in Eight Developing Countries," in *Tax Reform in Developing Countries*, ed. by Wayne Thirsk (Washington: World Bank).

Toth, I.J., A Abraham, 1996, "Income Structure and Distribution of the Tax Burden (a study of the personal income tax returns of 1994)," *Acta Oeconomica: A Periodical of the Hungarian Academy of Sciences*, Vol. 48, Nos. 3-4, pp. 271-95.

Wagstaff, Adam, Eddy Van Doorslaer , and pierella Paci, 1989 "Equity in the Finance and Delivery of Health Care: Some Tentative Cross-Country Comparisons, "*Oxford Review of Economic Pollicy*, Vol.5 (Spring).

Warr, Peter G., and Bhanupong Nidhiprabha, 1996, *Thailand's Macroeconomic Miracle: Stable Adjustment and Sustained Growth*, Oxford University Press.

Wasylenko, Michael J., 1986, *The Distribution of Tax Burden in Jamaica: Pre- 1985 Reform* (Syracuse, NewYork: Metropolitan Studies Program, Syracuse

University for Board of Revenue, Government of Jamaica).

_____, 1990, "Tax Burden Before and After Reform," in *The Jamaican Tax Reform*, ed. by Roy W. Bahl (Cambridge, Massachusetts: Lincoln Institute of Land Policy).

Westlake, M.J., 1973, "Tax Evasion, Tax Incidence and the Distribution of Income in Kenya," *Eastern Africa Economic Review*, Vol. 5, No. 1, pp. 1-27.

Whalley, John, 1984, "Regression or Progression: the Taxing Question of Incidence Analysis," *Canadian Journal of Economics*, Vol. 17, No. 4, pp. 654-682.

Yoingco, Angel Q., and Milwida M. Guevara, 1993, "Study on the Incidence of the Philippine Fiscal System: Summary and Recommendations," *APTIRC Bulletin*, Vol. 11 (January), pp. 40-44.

Younger, Stephen D., 1993, "Estimating Tax Incidence in Ghana: An Exercise Using Household Data," Cornell Food and Nutrition Policy Program Working Paper No. 48.

Yitzhaki, Shlomo, Jeffrey D. Lewis, 1996, "Guidelines on Searching for a Dalton- Improving Tax Reform: An Illustration with Data from Indonesia," *The World Bank Economic Review*, Vol. 10, No.3, pp. 541-62.

Zee, Howell, 1999, "Inequality and Optimal Redistributive Tax and Transfer Policies," IMF Working Paper 99/60 (Washington D.C.: International Monetary Fund).